

شناخته شده بود گستانی برای اصلاح خط فارسی نگاشته خلیلی متین و رزین است ولی تا کنون به موقع اجری و اعمال نیامده

الخبار قانون که سر مشق ساده نوبسی به محررین ایرانی داده و حقیقت آزادی قلم را ارباب قلم ایران نموده از او بهترین یادگارا است اهم بر اینکه حل غوامص سیاسی نموده و راه اصلاحات را ظاهر داشته حق عظیمی بادیات فارسی از خود ثابت کرده است در حقیقت طرز تحریرات امروزه ایران از آن مرحوم است هیچ يك از افراد ایرانی ماندازه پرس ملکم خان بدون حرف و همراهِ اینگونه سخنان حق نکند و نوشتن این است که جمیع محررین و مقررین و اصلاح خواهان و آزادی طلبان و سیاسیون و ارباب حل و عهد اهم از دولت و ملت بکلمه واحده پرس ملکم خان را بافتخار استاد کل میگویند

چند رساله در پلٹیک و کلیات مذهبی نوشته که در نظر ارباب دانش اروپا خیلی دارای اهمیت است و هنوز در نزد ایرانیان آن رسائل اهمیت و شهرت نام حاصل نکرده است

حق این است که برای اصلاحات ایران معاصی مانند پرس ملکم خان نبوده افسوس ایست قبل از آنکه آبرقت و موقع رسد که ایرانیان بتوانند از آن مجسمه دانش فائده حاصل نمایند این گوهر بی همتا را نظرشان ظاب شد چون نگارنده تا درجه ار غیرت ملی و تعصب وطنی آن مرحوم واقف بودم بدون تردید یکی از مقتولین واقعه میشوم طهران اور میدام ، بر دمه ماست که در آتیه شرح خدمات آن ر بوطن و تشریح کلمات حکیمه او را برای اهل وطن به نایم تا چنانچه از آن مجسمه دانش محروم گردیده ایم از قبض حکمیانش بی بهره جام و یقین داریم که ایرانیان بوظیفه قدر دان یادگاری اندی در صفا احسانات و خدماتش بوطن هنوز خود شایسته قائم خواهند نمود و باز ماندهگان آن فاقده وطن را همواره معزز و محترم خواهند داشت

اعضای اداره جیل المذین خدمت پرس و پرس زادگان با قالی محلو از تألم و تأثر اظهار تأسف نموده ایشان را تسلیم و تعزیت میگویند و عرض میکنند که

از احرار تشکیل داد که من جمله آنان شاهزاده آزاده ظل السلطان میباشد و این شاهزاده پرس متوفی را استاد میخواند و برای طلب نمودن آن ارباب خلیلی سی و کوشش نمود افسوس که ما حیاتش چنین موقع پیش نیامد و چنین خوشبختی نصیب ایران نگردد

بالجمله درین مسافرت ایران نظر بآن خیالات عالی که در دماغ برای ایران می بخت ناصرالدین شاه را بمسافرت اروپا ترغیب کرد و قبل از حرکت شاه خود با اروپا سفر کرده انتظام مسافرت و قرار مدار پذیرائی رسمی و ملاقات با سلاطین را گذارد این خدمت را نیز نیکو انجام داد ولی چون از ناصرالدین شاه و دربار او مأیوس گردید مجدد با ارباب باز نکشت و بسمت سفارت ویا به و برلن و اندر و درین اواخر در ایتالی امرار وقت نمود در مسافرت دوم و سوم ناصر الدین شاه هم در اروپا خدمت شاه بود

در سال (۱۸۷۸) میلادی خدمت بسیار بایلی در هالم دیلومانی ایران کرد یعنی از جانب دولت ایران بسمت نمایندگی بکافرس (برلن) شرکت کرده و از روی علم و فن حق ایران را بر (قطور) ثابت کرده دولت عثمانی را به ترک آن مجبور داشت و در ازای این خدمت از جانب دولت ایران بطلب بررسی نائل آمد پرس مرحوم بعم و دانش و عقل و تدبیر معروف جمیع سلاطین و سخنانش در نزد آنها قابل قدر و توقیر بود دولت انگلیس خلیلی او را هنوز میداشت چه در ایام سفارتش در لندن مواد اتحادیه ایران و انگلیسی را خلیلی ریاد نمود

پرس ملکم خان خلیلی و محبوب القلوب ملت ایران بود چه در مدت عمر جز خدمت از او چیزی دیده نشده و ذره خیانت بوطن خود نه نموده در سفر سوم ناصر الدین شاه امین السلطان بنا بر ضدیت جهل و علم گر عداوت او را بپیمان بست چون همه کاره شاه بود او را بخیمال خود از هر حیثیت انداخت پس از چند سال مجدد بسفارت ایتالی مأمور گردید

در علم تیرنجات بد طولاً داشت السنه فارسی همین ترکی فرانسوی و انگلیسی را نیکو میداشت خصوصاً در فارسی که ادبیاتش درین عصر سر آمد جمیع ادبا

نه تنها طارا شريك مصيبت خود دانيد بلكه جميع حريت طلبان و آزاد منشان با دانش ايران درين مصيبت با شما شريك اند

(هرگز نيمرد آنكه دانش زنده شد بمشق)
(ثبت است بر جریده عالم دوام او)

اخبارات خارجه

§ تلگرافي از (اوكلند) رسیده كه دسته جہازات جنگي امريكا بسمت سدن روانه شد

§ بلون جنگي جديد انگليس (ديرچيل) نمره اول دبروز در (الدرشات) ما نهايت سكون ۱۶ دقيقه در هوا سبر نمود

§ (اينا) ملكه (اسپانيا) وارد لندن شد، و سپس در جزيره (ويت) خواهد رفت (الفلسو) پادشاه اسپانيا نیز بايشان ملحق خواهد گرديد

§ (سرفيرفكس كارترن) بسفارت آستريا نامزد شد

§ (مستر وستن جرجيل) در (سواسي) ضمن نطق خود اظهار داشت بعضي اشخاص كه ميگويند بين دو اتين انگليس و آلمان كدورني واقع است خالي از حقيقت ميباشد، چه در اين وقت بيداري آسيا عناد ورزیدن انگليس با آلمان غلطی است، برخی را عقیده این است كه در صورت جنگ آلمان بر مستصمرات ما قابض خواهد شد، ولی باشندگان (كنيدا، آستريليا، افريقاي جلوبي و هند) ترقی خواه خود هستند، و اگر جنگ شود البته مفيد بحال آنها خواهد بود ازین رو آنها را اسباب جنگ نمیتوان قرار داد

§ در ميدان (سالسبری) مشق سواران با منهای شكوه شروع شد و این مشق تا يازده روز متوالی خواهد بود

§ تلگرافي از (جوهانسبرگ) رسیده كه دختر (مستر گندی) به سزای يك ماه حبس محكوم شد، چه مشارالیه ادول از حكم قاضي عدالت كه از مستصمرات تبعيد شده بود عوده

§ تلگرافي از (واشننگتن) رسیده كه (۷۰۰۰) مرپنداشت در قصر (وايت هاؤس) رسیده از شكاريان و طباخان و هاديان راه كه استعدای استخدام مسافرت افريقا را بهرامی (مستر روزيووات) نمودماند

§ در خصوص مناقشه (وزوله) دولت (هلاند) متفق است كه بصالح انجامد مع ذالك در ادارات جنگي و بحري (هلاند) سرماً مشغول كار اند

§ طنينان رودنيل امسال بالنسبه به طالب سنوات طاضيه زياد تر بوده است

§ عده دارالعلوم های مملكت آلمان را از ذكور و اناث برابر قرار داده اند

§ تلگرافي از (بلگرېد) رسیده كه عهدنامه تجارتي بين (اسكېشنا) و (آستريا) امضا یافته مناقشه كه درباره كرك از سه سال باین طرف داشتند افضال یافت

§ وقایع نكار (ديلي تلگراف) از (جوهانسبرگ) می نویسد كه (مستر گندی) هیئت كاپينه را ملاقات کرده از این رو میتوان تصور كرد كه مناقشه بصالح انجامد، قانون سفارشی ثبت نام منسوخ نخواهد شد ولی جندي معطل خواهند گذارده

§ تلگرافي از (پريتوريا) رسیده كه سربر آوردگان آسيان با (مستربوتها) و (است) ملاقات کرده اند ولی تا بحال فاصله امور نشده است

§ مخبر (روتر) از (بېاسه) خبر میدهد كه در (پورت فلورس) مرض طاعون سرایت کرده است

§ در (هيگ) افضال یافته كه مسئله مناقشه (وزوله) خارج از اختيار تائي (هيگ) است، چه در این موضوع دعوی از توهين يك دولت است، ملكه (هلاند) چون برخلاف جنگ است مسئله (وزوله) انجامش بصالح خواهد شد، ولی در اداره بحريه (هلاند) شب و روز با كمال هجله مشغول تهیه و تدارك اند

§ مخبر (روتر) از (پترماراس برگ) خبر میدهد كه ري از رگهای جگر (دي زولو) قطع شده و سخت عايل است ولی مهلك بنظر نمی آيد

§ زراعت امساله (كندا) ببار خوب است فقط گندم آن ۱۱۰ الی ۱۱۵ مایون (پوشل) تخمین شده است

§ (مستر مستير) از سفارخانه انگليس در پاریس بوزارت (تانيير) مأمور گرديده

§ (سر ويليم گوشين) سفير انگليسي در ويايه بسفارت (برلين) منتخب گرديد

§ زوجه (مستركوبتا) كه يك از اعضای وزارت هند بود ازین دار قانی در گذشت

اعلان

تاریخ سر جان ملک مصور که نقشه ایران را هم داراست بطبع اعلی ، کاغذ و خط خوب ، در نمبر ۱۶ وکتوریا رود - کرس لین ، مازگام ، بمبئی . نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی ، و در اداره جبل المتین کلکته قیمت دوازده روپه بفروش میرسد ، اجرت پست بر ذمه خریدار است ، هر يك از این دو مرکز میتواند رجوع نماید نقشه ایران نیز علیحده قیمت دو روپه بفروش میرسد

اعلان

جهد دوم ابراهیم یک که افراد ملت را بهترین تازیانه غیرت در حب وطن است با کاغذی بسیار اعلی و طبعی لطیف خوب در سبده و پست و پنج صفحه قطع جلد اول کتاب موصوف برای فروش در اداره موجود است ، این کتاب گویا لازم بمعرفی باشد ، همین قدر کافی است که بگویم این جلد از جلد اول نافع تر و دلچسب تر است ، هرکس جلد اول او را ملاحظه نموده از مذاق مؤلف و سیاق کلام و لطایف عالی آن بخوبی واقف است ، که در زبان فارسی کتابی این سبک و سیاق نوشته نشده ، قیمت چهار روپه ، اجرت پست بر ذمه خریدار است (میکادو نامه)

میکادو نامه منظومه است در جنگ روس و ژاپون که بوضع شاهنامه نگاشته شده ، و دارای ۵۸ عکس های حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده هرکس خواستگار باشد با اداره جبل المتین کلکته رجوع نماید قیمت دوهندوستان سه روپه ، ایران يك تومان ، اجرت پست بر ذمه خریدار است

کتاب موجوده در اداره برای فروش

- روپه - آ
- بحار الاتوار کامل : ۲۰۰
- سکندر نامه قلمی ترکی : ۱۵۰
- تاریخ سر جان ملک مصور : ۱۲
- سمرنامه مظفرالدین شاه مرحوم : ۱

سوانح عمری امیر عبدالرحمن خان مرحوم

- (در دو جلد) : ۱
- بنایع الموده چاپ اسلامبول : ۸
- خرائب عوائد ملل : ۸
- آثار همیم : ۶
- احوال حضرت زینب سلام الله علیها : ۸
- میکادو نامه مصور : ۲
- مکله سباح ایران : ۲
- داستان شکفت : ۱
- دیوان سرخوش : ۸
- دیوان حافظ جهاب عکس : ۸
- رباعیات مولانا روم : ۳
- دیوان عنایب (کاغذ و طبع ممتاز علی) : ۴
- فصاحت قافیه : ۴
- ملخص فصاحت قافیه : ۴
- ابراهیم بیگ جلد دوم : ۴
- حاشی با اصفهانی مصور (در دو جلد) : ۷
- قرآن اسلامبولی حاشی جواب سنگی : ۷
- اخوان الصفاء (اردو) : ۸
- منعم مثنویات سودا (اردو) : ۴
- آرایش عجل (اردو) : ۱۲
- نثر بی نظیر (اردو) : ۴
- مجلدات جبل المتین سال ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ . فی جلد باترزه روپه

اشتهار

MOTOR CARS—RENAULT FRERES.
BILLANCOURT, pres Paris (France) فرانس



حاصل کننده انعام بزرگ بشرط بین ویا نه وپاریس

گیرنده خلت از (اتوموبیل کلب) فرانسه

فهرست بجای فرستاده میشود

مکتوب از کرمان

جناب شیخ‌الملك سیرجانی که شخص نریخت شده و سالها در طهران و اروپا سیاحت نموده دارای کالات و ددای السنة خارجه فراسه و انگلیسی و شخصاً سالم و قانع است به تصویب مجلس متدس از جانب ورت عدیه . آمو یافتتاح عدلیه کرمان شده پس ر ورود همیم عالی رمارا از علای عظام و اشراف و عیار و بایده گامنها دعوت نموده بطق در عنات عدل و فبایح ظلم نمود پس از ذکر آیات پینات نه مشر بر سر حضرت احدیت عدل و احسان است گمت اگر ما مسالمانت که قرانرا نظام نامه دین و دستورالعمل قانونی در و کلام حضرت باری تعالی می شمربیم به آیات مبرکه آن رفتار کنیم باید از محاکمه و محاصره و اجتهادات و عداوت ها بکلی آسوده و راحت باشیم و مدج رفت محتاج نخواهیم بود که از مرکز دارالخلافه دیور عدالت بنده ناجیز را برای حرای شعبه آلف با این پیری و ناتوانی و صعوبت منازل روانه کرمان نمایند

پوشیده نماید که طلب عدالت در تمام ذرات موجودات از مستودعات فضل و رحمت الهی است هرچه در عالم عناصر موجود شود دارای طبیعت است و هر دارای طبیعت خواهان عدالت و محب آنکه طلبکاران این لطایفه قدسیه بواسطه علایق و هواقی حاصله از حرد خواهی و خود بینی و خود برستی ترك مقصود اصلی را نموده بخلاف آن ایل و مایل میشوند چنانچه می بینیم تمام نفوس بلکه ذقایق موجودات عطرنا از ظلم متنفق و از ظالم متزجرند مع ذلك از اثر های عسای و هواجس شیطانی مدج ذی روحی تصور می شود نه به مادیون خود از ظلم و حبر کوتاهی کند پس قدری در این موضوع فکر کنیم و به بلیب چه دلیل دارد که عدل با آنها میمنت و محبوبیت روح ندارد و ظلم با آنها نقص و مبغوضیت در همه جا رایج است آنچه بخاطر قاصر میرسد این است که نامت این سوه مدبر دوجیز است که اساس طرابی عالم بر این دوجیز شده مادام که این دو چیز از روی زمین مرتفع نشود راحت و امنیت و شرف و ثروت از برای بنده کالف حلد حاصل نخواهد شد . اول بی دینی یعنی متمدنه

بودن قانون الهی - دوم بی عالی یعنی فهمیدن و ندانستن چیزهایی که مصدر خبراند و دافع بلیات . مثلاً اگر ما معتقد بدین باشیم باید قانون شریعت طاهره را در اجرای حدود و احقاق حقوق و اخذ انتظام و تحصیل امنیت موافق احکام الهی ضبط کرده بمقتضیات آن گردن طاعت بنهیم و اگر قضیات و قایدۀ علم را آنگاه شویم می توانیم بیکر مملکت خودرا از زخم سر نیزه خصم و ذات احتیاج بطلای همسایه باز رهایم . موضوع صحبت ما در احراء قواعد و قوانین عالم اسابت و تمدن است

اگر در باب علم و طریق تحصیل آن باید سعی کرد آقایان مقام و حجهج اسلام که در این موقع شرف حضور دارند البته همچنانکه حق تعالی این کار را بر عهده ایشان گذارده بوظیفه خود رفتار خواهند نمود ولی در خصوص قانون و اجرای عدالت آسمان بار اعانت نتواست کشید
قرعه قال بنلم من دیوانه زدند

اکنون که وکلای ملت و عقلای مملکت و امنای دولت این بار بزرگ را بر دوش این بنده طاجز ناتوان نهاده و مرا مانند این کار خطرناک کرده امیدوارم که بزرگان مملکت با قوای عنایه و عملیه خود خلاصا لوجه الله و طلبا لمرضاه بنده را در مشکلات امور مساعدت و مساعدت فرموده یکی از افراد ملت و ضغفاء مملکت خود بپندارند که پس از سی سال کربت غربت نامید آنکه شاید بتواند خدمت بهموطنان خود نماید با نوشته امید و زاد و واحله همت وارد این خاک کشته خودرا ساربان قافله عدل و قلاووز انصاف و احسان قرار داده در سایه سلطنت مشروطه عاده اسلامیت آرزومند توفیق و تأیید و خدمت برادران و هم کیشان است

- (چنان خواهم از دادگر يك خدای)
- (که چندالف بانم بگیتی بجای)
- (که از مردی و دادی و عدل و داد)
- (بکرمان ز من نام ماد بجای)

حبل المتین

افسوس که مأموریت بموقع جناب شیخ‌الملك را ظالمین غدار فرصت ندادند تبریک میگویی و امید است

نهایت وطن برسی نوعی رفتار ناپیم و راه سد بعضی فاسد سائنه را نموده نادمست شیدان حبله باز و جبل مازان و رشوه خواران از تصرفات نامشروع کوتاه آورد چه مکرر خطوط عدیده در شکایت جی باداره رسیده محض حفظ احترامات نوعی عظام از درج آنها صرف نظر نموده و در موقع شمه از آن مطالب را یاد آوری خواهم کرد امیدواریم عنقریب مجلس شورای ملی منعقد شده عدلیه کرمان از رویه مت افتتاح شود

مکتوب مجاهدین غیرت مند قفقاز

نجدید دوره وحشیت و سبیت در ایران - پیشرفت نفوذ فوق العاده همسایه شمالی و قائم بر دوام ملیت بران وقوام مذهب اسلام - انهدام مجلس ملی و خاتمه دوره حیات پلتنکی ایران - نایب السلطنگی بالکونیک روسی در محاکم کیان آتف بر این زندگی و اف بر این سلمان ؟

(اینکه می بینم به بیداری است یارب یا بخواب)
از اول تاریخ عالم و متایسه ظلم های متوازه دوره تاریخ با یکدیگر ظلم و جور و اعتسافی که در نقطه ایران مشاهده شد در هیچیک از ممالک عالم واقع نگردیده است . چه هیچیک از سلاطین مستبد و مستقل باین پایه سنگ وحشیگری را براسی خود قبول نکرده اند . در ممالک منمنه سهل است در واسط افریقا هم هیچ ملتی دیده نشده است که این درجه مررد ظلم و تعدی واقع شود . و باز خود را در مقابل تقاضای نفس شوم بکنفر خدا نشناس بی رحمان که مزدور روسیان و مجری خیالات ایشان است بطبع و متعاد ساخت دم تزند . والله اگر تمام شهر طهران را مهدم میکردند بهتر بود ازینکه از بی احترامی خاتمه خدا ساکت اشیتند . و از مبداف بدر روند . سبحان الله اسلامی بی احترامی عمید مسلمانان اول دفعه ایست که از طرف یک جوان مرتد مصرود اندم بان شده . و در ماضی کل ممالک ایران و نایب السلطنه مطلق کرنل (لداکوف) اقدام باین جسارت نمود توپ بستن پساارلمان ملی قتل وحشیانه رجز و توقیف و کلای ملی قلوب افراد مات ایران را سوراخ کردن است . محمد علی میرزا و رفیق شفیق او (لداکوف)

که در تفاوت و استبداد آلت ندارند سهل است اگر تمام عالم جمع شوند در مقابل یک ملتی هیچ نتوانند کرد گویا اشاعه تمدن در عالم حسب نوع برسی را از میان نوع بشر معدوم ساخته . و پلتنیک دول اروپا ماحی شرافت نوع انسان شده است . دولت روس با کمال وضوح کمر همت بر انهدام دول مسلمه بسته و (کالشمس فی وسط السماء) در این طریق حرکت میکند و سلاطین بی دانش ما را هم اغضال نموده و از بی حسی مسلمین منتفع میشود . و مأمورین مستبد آن دولت در هر نقطه تیشه بر ریشه اسلام میزنند .

هان ای مسلمانان عالم بزرگترین عضوی از اعضای شما که مات ایران است بخیالات جاهلانیک تفرمفرض و به تحریکات بی ادبانه دولت مستبده روسیه همقرب معدوم و مضمحل خواهد شد . زمام اختیارات مات شش هزار ساله ایران بدست یک طفل مصرود مرتد و یک سرهنگ وحشی روسی است !

ای عظامی اسلام حاة شما آاد خوب حفظ دین محمدی (س) نمودید . و خوب اختیار می کرور قوس مسلمه را در تحت اقتدار بکنفر جار خدا نشناس قرار دادید . ای آقایان طهران که اردستگیری آقایان مشروطه طلب و قتل ممالک المسلمین برای منافع شخصی خودتوقت شدید . و لله العلی المطیم این بی حسی شما در مقابل حرکات وحشیانه و ارتکابات جاهلانیک بکنفر بی دین شمشیر باطام زمان کشیدن است . تاریخ ایران را در جار نشکی نمودید که زوالش تا بدغیر ممکن است . مگر این قانون اساسی نه بود که پدر خلف و پسر ناخلف هر دو امضا کرده بودند مگر نه انحنها احزای امضای خود این جوان مرتد را مطالبه میکردید . مگر نه آن جیون مصرود مکرر در مجلس بر آن مجید قسم خورد و تمام مسلمانان عالم را مضحکه خود ساحت آیا در هیچیک از ممالک وحشی و متمرد دیده شده است که کسی برخلاف قسم خود رفتار نماید . سبحان الله باین درجه هم بی شرفی مگر باز از شخص بی شرفی ماسد این جوان دیده شود

ای ریگاد قزاق و حدار نوع انسان تا قیامت بی شرفی شما (کولی زاده ها که از بیستانهای غرمال بندها شیر خورده اید از خاطر ها فراموش نخواهد کرد رئیس

شاه روس و دارای دستور العمل مخصوص بود، شمارا
 چه شده بود که با نوع خود بکنید ؟ و شرف نظامیان
 ایران را تا ابد برزید ، حق دارید (خطا بود ز خطا
 زاده گر خطا نکند)

ای صاحب منصبان و سرمازان نظامی ایران که در آن
 مرقع اقدام باین امر شایع نمودید و امانت خدا و رسول
 را تا ابد برای خود خریدید و تصور کردید که حق
 بر ما ظل غایبه خواهد کرد، (و جریخ از یگر ازین بازیچه‌ها
 بسیار دارد) حق همیشه غالب است اگر چه سرخنگ
 روس و قزاقان (کولی) روس برست عجله غایبه کرده‌اند،
 گرنوع ایرانی امروز بی حس و اغفال شده فردا بیدار
 شو حدت، و جزای شمارا خواهد داد، و (لبانوف
 یا لکویک) روس که از ترس مجامع آزادی طلب روسیه
 در مقابل ضدیت های فوق العاده که نسبت با آزادی طلبان
 آن صفحه نموده فراراً بایران آمده است بجزای خود
 خواهد رسید، دولت مستبد و جابر روسیه سهل است
 اگر تمام دول جمهوری و مشروطه عالم هم بظالمهای
 محمد علی میرزا همه گذارند و دولت روس را برای
 اجرای پلتیک خود جلوگیریه نه نمایند در مقابل
 حیثیات يك ملت دوام نخواهند داشت.

تلکرافات خارجه خبر میدهند که مدیر (صو رسرافیل)
 و (روح القدس) و (شرف) و (آئینه) را به سخت ترین
 وجهی در طهران کشتند بعضی را قطعه قطعه کرده
 پیش سگان ریخته و دو فرشان نفت ریخته آتش زدند
 بی مرتدی که قران بسوزاند از سوزادن جسد مسلمان
 چه بر او باک دارد بخدا قسم این خبر سبب حکومت
 حاره ما را آشکار میدارد اجساد مقدسه رحمت اثر
 نویسندگان سابق را دره قابر خود ملرزش می‌آورد

بجهان الله کشتن و سوزدن و قطعه قطعه کردن
 و سگ خورائیدن مدیر يك روزنامه جز در قوای محمد علی
 میرزا و طرفداران آن سبع درنده در کله هیچ حیوان
 خطور نمیکند، مگر نه قانون اطلساعات را خود این
 وجدان امضا کرده است و بدانگرمی امضای این
 مرتد روزنامه نویسان اقدام با انتشار روزنامه کرده
 آسبکه آت قدر بقول و امضا و شرف خود اهمیت
 نگذارد از جرکه حیوانیت هم خارج است چه رسد
 بمجامع انسانیت، قتل مدیر جرایم باین صورت وحشتناک

اگر چه برای تمام ایران مصیبت فراموشی نشدن است ،
 و قتل تمام هیئت مستبدین و رئیس آنها جبران این کسر
 را نخواهد کرد ، ولی رسم آنها تا ابد زنده و روحشان
 بر ققوح خواهد بود ، و بر هر فردی از افراد ملت
 فرض است که در مقابل هر چکه از خون آن شهیدان
 راه وطن جو پهای سیال از خون پروان دجال یا
 طرفداران محمد علی میرزای بطال جاری و ساری سازند ،
 ای عاهای اعلام ایسے کسانیکه خود را جانشین
 مسند الله اطهار میدادید دیگر این اقدامات مذمبی و
 اجرایی حکم جهاد را برای کی و چه زمان گذارده‌اید ،
 مگر این واقعه مهلکه را اسباب ختم ملیت ایران
 میدادید ؟ واقعه استقلال ایران از بی‌حق ایرانیان تمام
 گردید پادشاه مصر و ایران خود را دست نشاند
 روسیان نمود ، و طوق اطاعت آنها را در این
 همراهی بگردن گرفت این رئیس ملت ما بدرجه دشمن
 نوع خود است که آن قتل و قارت های دو ساله حبس
 طینت او را فروکش نخواهد کرد ، بلکه اگر اقتداری
 داشته باشد جسد سمدی و فردوسی را هم از قبور خود
 در آورده برای انهدام اسم ایران و تکمیل مراتب
 شقاوت خود استخوانهای آنها را آتش خواهد زد ،
 ای ملت ایران زیر بار این ظلم رفتن خیلی دشوار
 است ، تن باین ذلت مدهید ، اگر چه تمام ممالک ایران را
 با توپ یکسان کنند چه در هر صورت اقتدار محمد علی
 میرزا غایبه حقیقی روسیان در ایران است ، و اگر او
 مقتدر شود ایران را یکی از ایالات روسیه باید دانست ،
 چنانکه در این چند روزه بعضی روس ها ازین واقعه
 اظهار بشاشت میکنند که نهایت ندارد شایسته نیک بحرام
 که سالها از پول ملت ایران زندگان نمود و آنها در جرایم
 روسیه اعلان میکنند که من از اول ورود خود بایران
 در این قصد بوده‌ام که ایرانیها را روسی نمایم ، و مقاصد
 دولت روس را در ایران رواج دهم ، چنانکه در این موقع
 هم شاه را در هر قدم به ترتیب وضع روسیه را نمایان
 کردم (برای اینکه این مطلب را قارئین گرام هم نه
 ندارند مقاله که در این باب در یکی از جرایم روسیه
 مندرج شده ترجمه کرده خواهم فرستاد)

ای مردم ایران تصور نکنید که ایران مانند روسیه
 است و همان ترتیبی که در روسیه معمول شد در

ایرانم بحری خواهد شد ، خیر بیچوجه روسیه را با ایران نمیتوان مشابهن داد ، دولت روسیه دارای قانون و نظام و مدرسه است و آنچه که در ممالک متمدنه وجود دارد در روسیه هم یافت میشود ، دهر شهری با حالت حالیه چندین روزنامه و هزاران مطبعه وجود دارد ، نه مثل ایران که روح و حیات آن بسته بوجود مجلس و مشروطیت بود ، پس از انهدام مجلس حالت ملت و مرگ یکمرتبه وطن خراب مارا احاطه نمود ، مردمش در حکم جهاد و سلطنتش بدتر از حکومتهای وحشیه اواسط افریقا (در سورنیک اهالی آنجا تحمل این همه ظلم را نمایند)

ای مجاهدین ملت و رؤسای مشروطیت اگرچه در ظاهر مغلوب شدهاید ولی پیشرفت حقیقی ما نهایت و اساس مقدسه شما تاریخ آئینه ایران را مزین و مفضل خواهد کرد ، کدام تاریخ ایران ، همان تاریخیکه سلسله کثیفه قاچاره اسباب تنگ و بیشرنی آند همان تاریخیکه آئینه اعمال و افعال امرا و وزراء و نیک بگرام خواهد بود ، همان رجال خائنیکه یک روز در مجلس حاضر شده در حفظ مشروطیت بقرآن سوگند میخورند و فردای آن روز بر ضد قسم خود توب و تفنگ میکنند ، و اجزای ادارات دولتی قتل برادران خود را سهل بنداشته بار مشغول کار و خدمت میشوند ای محمدعلی میرزا آشکارا بدان سلطنت تو از حیث ظلم و جور بر دوره بزید برتری دارد و خلجبر شمر بن ذی الجوشن در مقابل حربه اسلام کشتن تو کند است

ای اهالی ممالک دور دست عالم ای طرفداران حقیقی نوع انسان ! بدانید که ملت ایران در بن دوساله منشی در جه منات و فطانت را بخرج طالبان داده و با اینکه خارجیان سبب این بلیات وارده بر آنها شد و با اینکه مقتدر بودند یک نفر خارجه را در خاک خود در سزای اعمال و حرکات آنها زنده نگذارند نگذارند موتی از سر آنها کم شود تا اروپائیان لباس وحشت بر او به بوشاند در قصاص خود از خارجه عاقل بودیم نه عاجز حال تحمل و تمدن خودمان را بر طالبان ظاهر داشتیم اعلان میدهم که من بعد زیانی خارجه را تحمل نخواهم کرد آگاه باشید و پیشتر بای

خود به نشینید که آنچه لازمه سی و کوشش و عقل و عمل بود در راه تحصیل شرف ملی نمودیم جزیکه مانع سعادت و ترقی ایران گردیده همانا وجود نا مسعود محمد علی میرزا جبار بدستاری روس بوده و انگلیسانهم برخلاف توقع در اجموع طرفداری روسها را ارجح داشته بی طرفی اختیار کردند ، و ملت بدبخت ایران از هر حبه تحت فشار دول جابره قرار گرفت ، و اول خاک مملکتی که بسر ایرانیان ریخته شد بواسطه کرنل (ایاکوف) فرمانده بریگاد قزاق و تحریک امیر بهادر و شایشال بود (مجاهدین قفقاز)

ترجمه از روزنامه (شورای امت) منطبعه مصر

ارهای تیره و تاری که از مدنی باینطرف سهای سیاست ایران را تیره و تار کرده و شراره برق و فحش رعدش که بگوش عالم رسیده بود بنا بخراب مشنوم تلگرافی در شهر طهران که بای تخت این ملت بدبخت بچاره است با ریختن خون جوانان و تخریب خانمان بنای باریدن گرفت

در (۲۲) حزیران شاه مرتد ایران مجلس شورای ملی را با مسجد سیه سالار که در جلب او بود بانضمام خانه ظل السلطان با وحشت و خجاستی که امثالش در تاریخ دنیا تا امروز دیده نشده است به توب بسته و با خاک یکسان کرد ، اولین دفعه است در روی کره ارض که تاریخ عالم میتواند از روی حدایت و حقیقت شاه مرتد را که با کمال وحشت و دنائت مجلس شورای ملی را خراب نموده در مصحات تاریخیه خود با لعنت و تخریب باد و نبت کند - مقول و مجروح در میان اهالی و سرباز بسیار است ، ۹۰ قزاق و ۹۸ صاحب منصب تلف شده اند ، و ۲۹ نفر صاحب منصب نیز مجروح شده اند ، اما مقتولین و مجروحین اهالی معلوم نیست ، بعد از دوام سه ساعت بمبارد بآن سربازها و قزاقهای شاه مرتد از رخنه های که بواسطه ضرب گلوله توب باز شده بود هجوم نموده مجلس شورای ملی را با سراسیمه ظل السلطان و مجدالدوله و انجمنهای بنها کرده اند و ۳۰ نفر از اعضای مجلس را دستگیر کرده اند ، ۲ نفر از رؤسای مشروطه طلبان را در پیش چشم خود حکم کرد ،

روند ، اعدام رئیس مجلس نیز محتمل است . مدبر صور
سرافیل با چند نفر دیگر از اعیان و اشراف مشروطه
طالبان شهید شیخ برجه شد . مشروطه طلبان
بسیاری که مظهر حرمت و محبت اهالی بودند با بسیاری
از اعضای انجمنها و مدیران جراید در زیر زنجیر
گرفتارند . چنانچه شاه مرشد را باین افعال خبیث و
خائنکارانه دولت روسیه در اطمینان مشوقند ، قاعده این
قتل عام نیز يك صاحب منصب روسی است ، در شهر
طهران دهشت عظیم حکمفرما است ، سفرای انگلیز
و روسیه نظر باسری که از دولت متبوعه خود شان
گرفته اند به ظل السلطان خبر داده اند که با شاه
بصداقت و دوستی رفتار نماید وگرنه هر دو حکومت
شاه مرشد را حمایت خواهند کرد (این یکی از امواد
مغفیه است که در حق ایران در زمان ملاقات امپراطور
روس و پادشاه انگلیس دو (ربوال) مدبر و مذاکره
شده است)

مخالفت این جوانان مصروع از روز جلوس
با قانون اساسی که مرحوم مظفرالدین شاه بجات ایران
بختیده و الی الابد حق آنها است واضح و آشکار بود
و از روز جلوس باین طرف بواسطه طبع فطرتی که
دارد از مخالفت با اصول مشورت و حریت آنی
فرودگذاری نکرده و عاقبت نیز خصومت ارلبه و
حبت و ملتنت ذات خود را آشکار کرد . از روز
جلوس تا بحال يك عاقله و مضاره مغفیه در میان
مجلس ملی و او بود . در ماه دسامبر گذشته بواسطه
بولی که اربانگ روسیه گرفت و تشویقانی که از حکومت
روسیه دید خواست بيك جذبه ناگهانی مجلس را
حراپ کرده علم استبداد و ظلم خود را بلند کند ، ولی
در مقابل مدافعه مردانه مشروطه طلبان این تشبیه
خائنه اش بی نتیجه ماند ، همین که دید این تشبیه
خائنه بی نتیجه ماند از راه حيله و تدویر با ملت
پیش آمده و به تحصیل بيك اتفاق ظاهری با ملت
رسی کرد باین قسم که بقرآن عظیم الشان قسم خورده
و با خط محس خود در ظهر قرآن قسم نامه نوشته
مجلس فرستاد که بمجلس شورای ملی و قانون اساسی
و مات صادق خواهد ماند ، و با این حيله به تسکین
مات صاف و ساده موفق شد ، ولی باطناً ادا از

فکر خبیثانه و مقصود کافرانه خود صرف نظر نکرده
مغفیا در احضار تدارکات بود ، که يك ضربه ناگهانی
دیگر بمجلس و ملت بزند و از طرف دیگر نیز
مشروطه طلبان از حرکات خبیثانه و مغفیا شاه
شبهه ناک و بواسطه کارهای اهانت کارانه او از وی
سبب امنیت نمودند ، و در تدارک منالیه و مدافعه ضربه
ناگهانی بودند ، و در ماه فوریه گذشته تشبیه از برای
ازاله وجود او کردند ، و بومب انداختند ، ولی
تصادفاً خلد ص شد ، بواسطه این تشبیه افتراق و مخالفت
حقیقی در میان او و ملت پیدا شد .

شاه مرشد همیشه حیات بی ناموسانه و استبداد
ظالمانه خود را در مرض خطر دید با دولت روسیه
مغفیا بعض مذاکرات با شرایط مهمه که برای ملت و
دولت ایران بسیار مضر است نموده ، و از روسیه
وعده معاونت برای سرکوبی ملت بچاره در وقت لزوم
گرفت ، این خبر از طرف انجمنها مسموع و با يك
سرعت برقیه بتمام انجمنهای ولایات منتشر شد ، و تمام
ملت را خرق هیجان کرد ، مشروطه طلبان از روی
تعبید و طرز بعضی درباریان بست فطرت مثل امیر
پسار بیدین و شایستال روسی ، جداً خواستند ،
شاه بحیل وعده کرد ، اما باین وعده خود نیز مثل
سایر وعده و قسمها وفا نکرد ، و امیر پادشاه را که از
خلجبر استقام ملت می ترسید با فرستادن سفارت روسیه
محافظات کرد ، و بواسطه قوتی که از اطراف بدور
خود جمع کرده بود غفلتاً طهران را ترك کرده و بیابغ
شاه که نزدیکی طهران است رفت ، و امیر پادشاه
را نیز طلبیده بمخپال احرای تصورات خبیثانه خود
افتاده ، قره عسکره خود را تزبید کرد ، مجلس شورای
ملی هیئت نزد شاه فرستاد که قسمها و وعده های خود
را بخاطر آورده با ملت خود مخالفت نیازد ولی بواسطه
عدم اعتقاد و ایمان مسلمان و قرآن جواب هیئت را
با حبس علاءالدوله و جلال الدوله و سردار منصور داد .
این معاهده عهد شکنانه مهیج افکار مات شده در
هر طرف عصیان و اختلال پیدا شد ، و در اطراف
بهارستان مشروطه طلبان فوج فوج متراکم شده و بر
طاع شاه ناپائشات اجرا کردند ، شاه از مجلس تفرقه
جمعیت را طلبید و با کمال صعوبت ایشان را متفرق

کرد - دو روز بعد ازین واقعه ستارالدوله را با شش نفر از وکلا تقریر مجلس را بشاه تقدیم کرد. شاه با يك عظمت استبداد کارانه و غرور ظالمانه با جمله محترقی را که اجداد من ا شمشیر تحصیل کرده اند بی استعمال شمشیر از دست نخواهم داد ، جواب داد ، و با این سخنان تمام فکر و مقصود خود را اظهار کرد . مجلس شورای ملی در مقابل این جواب باز برای تألیف بن صرف غیرت کرد ، ولی مقرر نموی شد ، در همان روز منحوس شاه مرشد بواسطه ترتیبی که پیش از وقت با دست یاری و معاونت روسیه احضار کرده بود چند نفر قزاق بمجلس فرستاده و نسایم رؤسای مشروطه طلبان را درخواست نمود ، نظر بجواب ردی که از طرف مجلس داده شد قزاقها مجلس را محاصره کردند . و باز از طرف مشروطه طلبان استعمال سلاح نشد و نتیجه بقتل تمام از طرف قزاقها منجر گردید .

از طرف انجمنهای ایران بواسطه نفی و کین ذاتی که شاه بقانون و مشروطیت و عدالت دارد و بواسطه نقض عهدهای که بدفوات از وی صادر شده طبع او مقرر بود ، اما مجلس شورای ملی بحیال اینکه هر روز ایام آن محیل آدم خواهد شد ، و هر روز استبداد و ظلم را از سر بدر خواهد کرد . طایع احراری بحال انجمنها شدند « آه چه غمناک » که این قرار انجمنها را رد کرده این بی اصف بواسطه عدم این اتفاق در میان مجلس و انجمنها از این کار استعاده کرد و از یکطرف نیز روسیه که ترقی ایران را با خوف و هراس ناظر بود شاه را اتصالاً تشویق و تشجیع می نمود . دولت روسیه که امیر محمد علی میرزا را بر مات غالب دید عدم مداخله خود را بامور داخله ایران بعالم اعلان کرد ، اما اگر مات غالب آمده بود آن وقت از برای محافظت محمد علی میرزا در منترض کردن تاریخ سلطنت ایران با قوه جبریه و سوق عسکر مداخله میکرد و خود را نیز در نظر ظلم بنا با اتحاد و اتفاق که اخیراً در حق ایران کرده مجبور بمداخله و نمود میکرد .

حکومت انگلیس که فریاد انتکای اهالی باخارستان را که نصارا هستند شنیده حمایت و معاونت آنها را وظیفه انسانیه و دینییه خود می پندارد با اتفاق امپراطور

ظالم روس ابن فاحشه مدهشه را در یکی از گوشه های بدبخت آسیا روا نباید داشته باشد و سبب این هائله دلسوز گردد

برخی جراید اروپا سکه آلوده اضرانند بانضمام برخی اهل اروپا ، برای کسانی که با دست شاه بدار زده شدند ، و برای جوانانی که در راه تحصیل حقوق حرب خود با گلوله تیر باران و شهید گردید و زنانی که خود را انحرار کردند ، و بیچارگانی که بسفارش النجا بودند ، ولو اینکه با يك گله باشد اظهار تأسف و تأثر در جراید نکردند ، و نگفتند ، زیرا اینها که در راه تحصیل حریت بشریه خود از جان گذشته مرده شهید شدند اهل آسیا و بخصوص مسلمان بودند . بدبختی مسلمانان را در هر طرف حکمداران ظالم و بیدین برای آنها احضار میکند .

این واقعه طهران دوباره با اثبات کرد که حمایت کردن از حکمداری که خیانت و ملضت او آشکار است در حکم تیشه زدن برویشه استقلال مات و یگانه واسطه منقرض کردن تاریخ يك امت است . برادران ایران ما را لازم است که مثل همین بلارا که سی و يك سال پیش ازین سر عنایها آمد بخاطر آورده و منسی شوند ، حالا که خون ریخته شد مسلم است که دیگر استبداد نمیتواند بیدار بماند ، قبور شهدائی که در این واقعه شهید شدند در پیش چشم ملت ایران (اگر غیرت ملی دارند) يك نشانه دائمی و ابدی است از برای اشدام و حریت حقیقیه آنها . شاه ، مات از هم موبداً جدا شدند و هیچ وقت با هم منقی نتوانند شد ، ایرانی که (درفش کاوایان) نت و دارد مطلوب استبداد این جوان مصرع خواهد شد .

ما یقین داریم که ایران از برای ازاله وجود مستبدین و درباریان ذی فطرت و بیدین و بی حریت فدائیهای غیور بسیار مثل (عباس آقایی) مرحوم دارد که تواند صفحه ایران را از لوث وجود این کنار پاک و طاهر کند ، جمعیت ترقی و اتحاد عنانیه به برادران ایرانی که قلبشان مشغول سودای حریت و مشروطیت است نسبت بگویند . مرحبا به اهالی تبریز که از بدوین کار با فدا کارهای بسیار مردانگی خود را بعالم ثابت کردند خصوصاً حمیات و تأثرات کامله قابیه خود را آنها عرض

و موفقیت طایفه ایشان را در این مجادله مقدسه و مشروعه ز خداوند قاهر منتقم مسئلت میکند
(مترجم شیخ حسن تبریزی)

مکتوب از اسلامبول

دو سال تمام است که عهد علی میرزا باریکه سلطنت ایران نشسته، از اول جلوس مل از ابتدای واپسندی این جوان مردم آزار از رفتار و گفتار و کردارش هموم ملک و زیر دستان مأیوس بودند، چه از عدل و داد و مروت و وراد اتوی در او مشاهده نشده، از ظلم و پیداد و حتاک و طمعی و عنکری و طونخوااری آن اهل ایران هموماً و رعیت آذربایجان خصوصاً بستوه آمده درست سلجیده بودند که از و جنات حالات و رفتار چنین شخصی بی باک نشانه ملک داری هویدا نیست در این عصر تمدن که هموم اهالی دنیا عارف بحق خود گشته از بربریت و خود سری و ظلم و تعدی گذشته انوار معارف روی زمین را با شعله خود منور داشته در تمام دنیا وظیفه رعیت و پادشاه مشخص گشته لوی عدالت در مشرق و مغرب بر افراشته شده هموم سلاطین صکره ارض مملکت داری و عدالت گذاری آموخته با وجود این ممکن نیست بکنفر جوان خون خوار حیار با هوای نفس خود بگیرد به بند بکشد هست و نیست مردم را تاراج کند و ابداً وخامت طاقت را نسجد با اینهمه دانایان رموز ملت و خیر خواهان قاضی مملکت از اهل لسان و قلم بید از جلوس عهد علی میرزا زبان موعظه و نصیحت گشاده در محضات عدل و داد و وخامت ظلم و بیداد آنچه شاید و باید بموجب احادیث و آیات واجبه به حریت و مساوات فرو گذاری نموده، وظیفه شاه پرستی را ایفا نموند، مکرر بر مکرر بآیات قول خود از آثار انبیا و اولیا و حکما و فیلسوفان بینه و شاهد آوردند، و تاریخ سلاطین سابق را با الهام کوش زد کردند، و ترقی پادشاهان مشروطه را معاینه نشان دادند، ثروت و مکتب امریکا قدرت و سطوت عجز العقول ژاپون، و هل مبارزگفتن امپراطور آلمان، و عالم گیری انگلتره، و ترقی چند ساله بلغارستان و غیره را پیشنهاد کرده از دارائی و آسایش جمیع ملل روی زمین حکایت کردند، تندی مستبدان و اضحلال

خود سران و حیاران را شمردند پادشاهان ایران مدارا، پدر مهربانان، تاجداران، هار هان کم مانده شا را مثل امپراطور و الا جاه کوریا و پادشاهان هندوستان نمایند، و ما اسیر خارجه شویم، و سلسله قاجاریه اسیر اجانب شوند، گفتند هر قدر بدتر کنی صدمه آن باید به سلسله قاجار خواهد رسید، منظور خودی و پیگانه خواهی شد، شومی کردار و رفتار تو باین بیچارها خواهد رسید

آنچه از قول حکما و اولیا و سیاسيون گفتند بخرج زلفت، گویا بزبان حال گفتی
(من گوش استماع ندارم لمن بقول)

چرا این جوان این همه بند و نصیحت را قبول نکرد؟ بواسطه اینکه آشنا باین سخنان نبود، چشم پنا و کوش شنوا نداشت، در نزد عقلان تربیت نیافته بود، رسم پادشاهی نیاموخته، با عقلاً و ادبا هم نشین نگشته، با حکما و عرفا هم صحبت نشده، کسی که معلمش شاپسال بودی، و مصاحبش علی بیگ قهوه جی و مجلل و امثال اینها از اراذل و اوباش باشند، کلام خدا و انبیا را زبورا میگذازد، اقوال حکما و عرفا و ادبا را آواز جرس بندارد، چه میفهمد از آیه و حدیث؟ چگونه متنبه میشود از ذکر (لمرک انهم لنی سکرتم بصمون)

(خوبی بد در طبیعتی که نشست)

(زود تا بوقت مرگ از دست)

پس باید هر کس را بقدر ادراکش سخن گفت، از هم نشین و هم عقل و ادراکش نیکو سخن می پذیرد، چنانکه مشهور است پادشاهی بد دختر خرقی عاشق شد از وزرا و امرا و حکما و عرفا چند نوبت خواستار فرستاد خار صکن ابار امتناع نمود که مرا چه با پادشاه بالاخره حکیمی گفت ای پادشاه اگر در اول مرتبه بکنفر از هم جنس او بفرستادی قبول میکرد، بهتر اینکه از هم کیش وی کسی فرستی خار کفی آورده از جانب پادشاه به خواستگاری فرستادند به محض صحبت قبول کرده و گفت پادشاهی مثل تو کسی فرستاد که من قبول نکرده

(چون سروکارت بکودک اوتقاد)

(پس زبان کودکی باید گشاد)

آشنا داند صدای آشنا، حالا من میبخوام

بقدر فهم و ادراك اين جوان سخن راتم چند
 كه مانند مصاحبتش بذروه عرض رسانم
 شاهان مرگ تو ، مرگ خودم ، هر چه بگويم
 صلاح تو و خير مملكت است ، در اين سخن عرض و
 مرض دركار نيست ، بيا لوطي و لوطيانه پيش از اين
 رسواي مكن ، عموم اهل جهان دانستند كه تو رسم
 سلطنت مبداني ، دنيا فهميد كه تو تربيت نيافته ، آفاق را
 مشخص شد كه تو اين اراذل و اوباش را بسرت جمع
 كرده مانند بسراپ حلاج و دولت كر وغيره وغيره
 مردم را بكشند و بجا نمانند و باج بگيرند اين موقفت تو
 موقتي است نه دائمي ، تا چشم بهم زده گرفتار فراتش
 غضب عدالت خواهان خواهي شد ، و مصاحبان تو را
 قوت و قدرت خلاصي تو نخواهد بود ، اهل ان عذاباته
 شديد ، از صف زيان برگشتن باز منفعت است ،
 صلاح تو و عموم قاجاريه و مملكت در ايست كه تو ترك
 سلطنت كرده نخت و تاج به بسرت واگذاري ، ملك و
 ملت را آسوده داري ، اين حرف را لوطيانه گفتم باز
 ميگويم مرگ خودت (اين ره كه تو بروي تركتاست)
 راه و روش تو دامي بربديختي نام قاجاريه است خصوصاً
 وليعهد تو دادش جان خودمايست ، نتوانست شاهي كني
 مرده بيا سگ جهالت را از دامن بربز لعنت بشيطان
 كني يعني امير بهادر و شاهنشاه بودي و علي بيك قهوجي و
 ساير خناس ها ، با اين لوطيان لوطي ورزي در اين عصر
 تمدن بتو لعنت خواهند كرد ، خوب فكر مكن منظور
 ملت ايران شدي و از تمام اهالي مخوف و هراسان و
 ترسان گشتي ، واگر بعد از اين بقرآن اعتقاد كني و مانند
 نوشيروان عدالت پيش گيري و رسم فريدون را رنده
 كني يكقدم از قانون مشروطه بگذار نگذاري ، جهات جهات
 كه اهتمامات را تحصیل ماني ، و اگر تمام ملت از نه قلب
 صداقت و راستي و از روي فدويت و عبوديت تو خدمت
 كنند محال است كه تو از ايشان طرد شوي ، دانا مخوف
 حتی از جاگران درگاه و كذبزان حرم خود خواهي شد
 طور و خوابت حرام و زهر مار خواهد شد ، تو فاعل
 كاري شده كه اهل ايران فراموش مابند ، و هر قدر
 بتو قولاً و فعلاً اطاعت مابند داشته باش كه از راه
 يقينه است نه حقيقت ، تو مراسم شاهي را نتوانستي سهل
 است اسم لوطيان را هم خراب كردي ، و ناموس

ايشان را بردي ، كدام لوطي تا بحال قصد مردان ريش
 سفيد و اطفال صغير بيگناه و زنان عفيفه مسكره ، و
 اهانت هاي اعلام و مجتهدين ذوي الاحترام نموده ، در
 خانه امين الدوله زن و بچه او خواهر و خواهر زاده
 تو نه بوده چه گناه داشتند ؟ زن و بچه حاكم رشت چه
 جرم كرده بود ، مگر همه و همه زاده تو نبودند كدام
 كافر كدام لا مذهب كدام مرتد مبد خود يا يك قوم
 ديگروا خراب و كتاب آساي آنها را سوزانده و جسد
 مقتولين آنها را وقت ريخته آتش زده و قطعه قطعه كرده
 بخورد سگان داده است ظلم بدین درجه درين وقت و
 زمان از كي صادر شده ؟ على لعنت الله على القوم الظالمين را
 مگر بخوانده خوانده اما اعتقاد نداشته

باز داداش جان لوطيانه مرگ تو مرگ خودم صلاح
 تو در استغضات بهتر اينكه بگوئي ما را از مدارسه
 بيرون ميرويم به بسرت رحم كن و راضي نباش سلطنت
 قاجاريه منقرض شود بسرت را در جاي خود بگذار
 و الا بعد از اين اگر هزار مرتبه بقرآن قسم بخوري
 و قسمت هم راست باشد محل ادر محال است كه
 كسي باور مباد

(محبت سنگ و سب و ساز نكردد هرگز)

معرفت آقا از مصاحبتش معلوم شد

(تو اول نگو با كيان دوستي)

(من آنكه بگويم كه تو ايستي)

خبرش كسي كه بخاطر امير بهادر ادان بپنجر جاهل
 مانند ناصر المللك عالم و دانا را نخواهد نكشد چه گونه
 سلطنت تواند نمود

باز ميگويم از خر شيطان پياده شو ، گوش بسخن
 امير بهادر مده ، با رضاي خود بسرت را در جاي خویش
 بگذار ، ميترسم آن صغير مصوم بچساره هم با آتش تو
 بسوزد ، و از حق خود محروم مابد و مالش بگردن تو پيابد
 (من آنچه شرط بلاي است با تو ميگويم)

وطي و لوطيانه از شوي اين مصاحبت گذاران
 تنها منظور ملت ايران نكشتي ، بلكه زبان طعن و ذم
 ساكبين كره ارض بسوي تو دراز كرده ، در تاريخ
 اسم خود را در خونخواران ي شعوره در عقل و
 تدبير بزرگ كردي ، چنگيز اگر چه قتل عام نمود لکن
 غير ملت و قوم خود را بجاي حجاج بشقي ملت و هم دين

و هم کیش خود را کشی، واقوام و عشرت معصوم بیگناه خود را هدف تیر گلوله توپ ساختی، حجاج خایه خدا را سنگ انداخت، تو گلوله توپ انداختی، چنگیز و حجاج در این وقت و زمان که دنیا را تمدن گرفته این کارها را نکردند، وقت ایشان زمان وحشیت و بربریت بود، از تمدن بونی نبود، عصر نوعمر عدالت و مساوات و تمدن است، اگر معلمت غیر از شاپشال بود تو می آموختی که حکما گفته اند چهار چیز پادشاه را زیان دارد، خندیدن بروی کهتران، مصاحبت با فرومایگان، مشورت با زنان، کار فرمودن بقول مفسدان، و سه کس سوی اجل مجهول رود، پادشاه هتاک، سیاه بی باک، ناخدای نابلد، ایضا فرموده اند پرهیز باد ترا از دوستی دروغ زن که آرزوهای محال را در پیش تو آسان نماید، و کار آسان را صعب کند، اینکه گفتم پادشاه قهار بسوی اجل مجهول میرود شاهد این قول را از دور نشان میدهم از نزدیکان می نمایم، اسرف افغان نادر شاه - حدت آقا محمد خان - که سبب قتل شایسته همین قدری و هتاک و بی باکی بود، چه فایده تاریخ نخوانده که از حالات سلف تجربه حاصل کنی، شاپشال یهودی بی عقل تو گفته، و فلان روسی راه نایبند تو ولی بسوی هلاک، امیر بهادر مکر و خدعه که نماید تبعیض مانند مروان میدهد چنانکه داد، من آنچه شرط بلاغ است با تو گفتم و رفتم

(همچو صحاک اگر برستی مار)

(میبکشندت رعینت ناچار)

(همچو قارون ترا زمین بلعد)

(دوست دشمن ببردت خدود)

مکتوب يك از ارباب غیرت چترال

چون در اینولا علی التوالی حالات ناملایم ایران از صحائف اخبار بوضوح میرسد، هر لحظه باعث يك گونه فسوس تازه و ملال بی اندازه میگردد که اینملکت نامور را چه اطوار بوقلمون و مصائب گوناگون روی داده است که با آن همه جلالت قدر و وفور فطانت و ذکا که اهالی آت از گاه باستانی الی پومنا هذا داشته اند احدی بیست سکه این طرفان، و اج بی تمیزی و این سیلاب معاصد و خون ریزی را از برکات انقاس و بمن اصلاح رو بهستی دهد، نشاء را زمام طاقبت بینی بدست است،

که قدری با خود اندیشیده تو سن جور و اعتساف را از حرصکت باز دارد، و به اراکین سلطنت را مال اندیشی مدنظر است که لحظه بهوش آمده غبار این مفسدرا فرو نشانند، شاه که مدعی بدیانت اسلام است از خدا و مخلوق شرم نکرد که جلین بتل بیگناهان اصلاح جوی و تخریب و انهدام مسجد و معبد همت مصروف داشت؟ گویا خیال میکنند که چون بر نخت حصول مطالب و مآرب جلوس فرموده مخالفان او در زاویه خورل خزیدند، اعیان و اصرا که خود را متکفلین اصلاح ملک و رعیت و معاونین امور ملت و شریعت می بندارند، به این احمال شنیعه و افعال قبیحه مفتخر و نازان بوده قیاس می رانند که به این تدبیر نظیر و شجاعت عالم گیر شاهد صرام در آغوش کشیده بر اراک اس و اطان دراز غلطیدند، اما خدا داند که نتایج این تدابیر و تهرات این داروگیر چه خواهد بود و عواقب این احمال چه روی خواهد نمود، روزی ملاحظه اخبار جبل المتین میکردم عنوان ذیل مطالعه شد (ما میگویم بر زوال سلطنت شش هزار ساله و

عزت دیرینه و استخوانهای بر سیده قاهره احداث خود که عقرب لکدکوب سم ستوران اجانب خواهند گردید همگین باشید ولی میگویم بر مسلمانان خود گریه کنید، بر زوال مذهب مقدس خویش ندهد نباید، بر معابد و مساجد خود که دبری نگذرد تبدیل به کلیسه ها خواهند شد متأسف باشید، اجتناب نباید از آنکه صدای اذان مان مبدل با آواز ناقوس گردد، بتزید از آن روزیکه اختیار زنان و دختران از کف تان بیرون رود، خوف نباید از وقتیکه عقود نانت را در حکمته پلیس جاری دارند، بیم دارید از زمانیکه معکوساً طلاق تان در محکمه از طرف زنان داده شود)

چون کلام بدینجا رسید طبیعت پریشان گردیده بخاطرم گذشت که چرا مؤبد الاسلام درباره معاصد و مساجد پیشین گوئی میفرماید روزنامه را روی میز گذاشته لحظه بادیشه فرو رفتم، روزنامه وطن که یکی از جراند معتبره مسلمانان هند است بدست گرفته شاید مضمونی مسرت انگیز ملاحظه نمایم اولین عنوانیکه بنظر رسید این بود (مسجد اسطبل بنائی گشتی) چنانکه مضمون مذکور را برای ملاحظه اعضای اداره فرستادم (۱) عنوان را با

(۱) عنوان مذکور در خصوص مسجدی بود که واجبه هندوی بی اقتدار (گولهاپور) بواسطه بی چاری مسلمانان

بریشانی ملاحظه کرده و بتأسف و ملالت بسیار ختم گردید تصدیق گفتار مؤیدالاسلام را نمودم چه اینگونه مور در بعضی ممالک بظهور پیوسته و در بعضی دیگر هم خواهد آمد

دوقطه دیگر از اخبارات معتبره انگلیسی که در هندوستان توزیع می شوند ارسال خدمت شریف نمود (۱) غرض این است که شاه را معلوم شود که زمان آن زمان نیست که کار و کردار کسی در بغل او مستور ماند، و باید بداند که شیپورچیان ظلم و فصاحت تمام صدای آن را در گوش ساکنان اطراف زمین بر می سارند، خیال شاه غلط است که ارشد کردن تلکرافات و اخبارات افعال ناشایسته خود را رویت می کند، صرف این قدر است که چند روزی اخبارات به ایرانیان فک زده دیرتر میرسد و خبر ندارد که سرآمد خارجه تمام افعال مازیبای او را یطالیان روشن ساخته خیرخواهان اسلام تماماً افعال ویرا بظن کراهت و استحقاق مینگرد ایرانیان فک زده که عاقرب وطن عزیز خود را یا مال هم ستور احاط می پندد برای نجات خود دست و پا میزدند و به انعقاد محاسن سعادت عمت کاشته بودند، که يك مرتبه شاه اصاف ناپسند حقوق شش هزار ساله ملت را یا مال خیالات فاسده بکروزه خویش گردانید، نگارنده مذهب (اسا عشره) ندارد و از برادران شی المذهب شهادت، ولی حنة اسلام خواهی و نوع برستی دیده ام را انکبار ساخته، خون برادران عزیز اسلامی هموماً و خصوصاً ملك التکلمین صهبی و میرزا جهانگیرخان مدیر (سور سرامیل) که آن وضع ناگوار و حشویه این شاه بی اصاف حسد شان پاره پاره نموده در کلم سگان فرو برد، تمام نظارگان ظلم از ملاحظه اعمال متعیر اند که هرگاه مدت طاقت محافظه داشت چرا در مبادی امر به اقامت بحاس توریوی توجه مصروف داشته بنیاد نهادند، آیا منشاء

شان همین بود که جوانان عزیز و باطنین غبور مت را ستاراج داده جوارح شارا اقمه سگان گردانیده خود را شرمسار دنیا و آخرت ساخته خاموش به نشینند اف بر این حمایت رؤسای مذهب شیعه تق بر این غیرت افراد ایرانی جز اهالی آذربایجان که آفرین بر آن جوانان غیرتمند باد که نام ایرانیان زنده کردند، محضرت میخوانم که بنده را واقعات و حالات ایران بی اختیار نموده خواستم بر آن برادران نوحه سرانی کنم، ماتم و همدردی با آن جوانان ایرانی که شهید راه ملت شده اند به پیام اقنوسی که بنده فصاحت ادا کردن میتوانم، ناچار در تسکین دل عبارات روزنامه حبل المتین را اعاده می نمایم

ای فرزندان غبور مادر وطن، ای سربازان راه عدالت، بخدا واقعه شما خیلی رقت انگیز است، خیلی عبرت خیز است، خیلی جگر گذار است، سنگ باشد دلی که ازین حادثه جانکاه از جای مجلبد، سحت مانده چنانکه ازین داهیه کبری ار خود نکند کور باشد چشمی که در این مصیبت عظمی گریان نکرده کربا شد گوشه که از شنیدن این حادثه هاله بخود نشود واقعه حل شما برای سایر برادران تان خیلی طایه عبرت گردیده ملی نیست در جمیع ایران که بر شما نورد حکری نیست که ازدماغ تان کباب نباشد، چشمی نیست که در مصیبت تان گریان نیست، تنها برادران ایرانی را بخاک ماتم نشاندید، بخدا قسم مصائب جان سوز شما دل مسلمانان عالم را کباب کرده، چشمان فرنگی، یهودی ارمی، مجوسی، بت پرست همه در ماتم تان گریان است، همه بر قاتلین تان شهادت علامت و لعنت مینمایند

«ایضاً»

واضح و روش است که مطالعه روز نجات و ملاحظه جگونگی ایام و اوقات منتج به سعادت داش روشن صمیر شده اصاف فوائد و منافع از آن توان برد

(۱) یکی از آن اخبارات تصور شاه بود که مدتی نهرست و بدست دیگر توب گرفته ار روی آن مشغول بخراب کردن مهارت بود و یکی از راهبای حیسام در ذیل آن ترجمه شده که مفادش این است که اگر مقتدر شوم و این ظلم کون و فساد را زیر و بالا کنم بچنان بهتر از آن را ترتیب داد، و نیز يك مقاله از روزنامه (بانیر) بود که افظاً نیازی از مشروطیت ایران و عنانی در آورده گوشه اش را تخیالات و حیث اهالی هند ختم مقال نموده است

جبل المتین

دوست من - سلام مرا بهتر مهتران برسانید و بگویند

(باد طزان و زبد و گلستان خراب شد)

(بلبه شکسته بال و جگر خون کباب شد)

از یکصد و اند جراند منتشره ابراهیم پیک الحیار بجای مانده ، و ازین سر تا آن سر مملکت هیچ مطبوعه داتر نیست ، و قالب پیضا و تاراج رفت ، و مدیران اصلاح جوی جراند بنی حکمت و برخی در نتیجه عنوت ظلام گرفتار و جماعت انگشت شمار جانی سلامت برده در کمال یاس و حسرت مادر عزیز وطن را وداع گفته فراری و متواری گردیده اند ، ما از همردی والا حضرت امیر جنرال از طرف ارباب جراند ایرانی تشکر مینایم و از نضعجات قدیمة آنها برای ملاحظه ایشان آنچه میسر است میفرستیم

ترخامه یکی از خطای جلیل

یا اجلاء اليوم اتعلمون ما تعلمون الله و آیاته تستهزون ماتم اشد قوة ام الادی خلقکم والحیلة الاولین اما تخافون من غضب الحیار اما تخشون الله الواحد القهار اسطانتکم بخلصکم من النار ام لکم برآة من العزیز الفجار اتقوا الله فی قتل عباده و تخرب بلادہ تعاونا علی ابر والاحسان ولا تعاونا علی البنی والصبیان ایأسر من الله تقاطون اما بیتم الهوی و آتم معتدون فلا وربکم لا یؤمنون حتی تکفوا ایدیکم عن الادی و قلوبکم عن اتباع الهوی فاعلموا ان مرجکم الی الله فان رجتم فلکم ماسئف وان دتم علی ماتم علیه فان ربکم لبالمرصاد وان اخذہ لشدید انجاسرون علی اهل الایمان وقد تلینت علیکم ایات الرحمن و علمتم ان اللؤمنون اخوة و ما رخص لکم بالاعتیاب بالکلام فکیف بالمقابلة بالحسام ، اما بیتم عن اتباع الهوی و طاعة من ضل وهوی ، اما بلغتم قول ربکم ولا تطع من اخفنا قلبه عن ذکرنا واتبع هواه و کان امره فرطاً ، اما قرء لکم ولا تطع کل خلاف مهین ولا تطیعوا امر المشرقین ، الیس هذا نصراً بما من الکتاب و توصیاً لأولی الالباب فالکم لا تموتون و اذا قرء علیکم القرآن لا تسمعون فبیاتیکم یوم لا تطعون ولا یؤذن لکم قمتدون و من کذب و اصاح ظن و یبک لظنور و حیم

تمام تقایص ملای و دولتی درونی و بیرونی ذاتی و قومی و خیالات فاسده و افکار باطله از برکات آن هو و زائل گردیده ، بدل به صلاح و بهبودی می شوند ، ولی افسوس که از بدفستی ما مردم اکثری از حکمرانان آسیا که صلاح عموم ملت بسته بذات ایشان است ازین سعادت عظمی که عبارت از مطالعه جراند باشد محروم و بی بهره میباشند و اگر بحس اتفاق معدودی از ایشان را دل بستگی بآن هم باشد بطور سرصری است و چنانکه ساثرمال منتمده از آن بهره یاب گشته اند . بآن جناب معلوم است که والا حضرت مهتر مهتر فرما فرمای با احتشام جنرال در عرصه دراز روزنامه جبل المتین ملاحظه می نمایند اگر چه قالب جراند انگریزی و اردو فارسی دیگر را هم ملاحظه می فرمایند ولی اشتیاق و دل بستگی بروزنامه مقدسه خلی دارند چنانکه اگر گاهی بوقت مقرره نرسد بحدیسه مشوش میشوند که گویا یک امر اهم ضروری بی انجام مانده

درینولا که از روزنامه مقدسه و ساثر جراند حالات اسفناک ایران و ایرانیان هویدا گردیده موجب علالت طبع و افسوس است که تا کی این طوفان قیزی در آن مملکت نامور قائم خواهد بود

نگارنده از جانب والا حضرت مامور است که از آن جناب خواهش نماید که مهربانی کرده و تکلیف را گوارا فرموده یک نسخه از روزنامه (سوراسرافیل) که مدیرش از دست شاه مشروطه خواه ایران قربان ملت شده است از اداره مقدسه جبل المتین یا از جای دیگر دستیاب فرموده به ارسال آن بنده را مشکور الطاف فرمایند که آزادی قلم آن شهید میدان جوان سردی و مشروطه خواهی را مشاهده نماید

و نیز التماس است که روزنامه (مساوات) را اگر تاکنون اداره اش از ظلم شاه مشور مفتوح و یا مدیرش شهید راه ملت نشده است بنویسید که بنام والا حضرت جاری فرموده بخون فرمایند چه قلم یک از آرنیکل آنها در روزنامه مقدسه ملاحظه شده صاف بیانی و راست قلمیش را بسیار پسند کرده اند

تخلص این مملکت اسلامی از چنگ کافران محمد علی میرز
اراده ابراف کرده اند ، اینها برای نیل فیوضات
شهادت گم بسته اند پدر و مادر ما فدای این ذوات
مقدسه جانهای اسلام خواهان بقران اسلام برسی
شان باد

آیا ملتفتید این بزرگواران کیستند ؟ اینها هادیان
طریق فلاح امت و نجات بخشندگان ما از ضلالت اند ،
اینها نواب امام عصر اند ، در غیبت امام اطاعت این
موالیان بر پیروان شریعت حقه فرض و مقہم است
در این جاست که ترك تبعیت رؤسای مذهب چشم پوشی
از دین شناخته شده تساهل و تسامح از همراهی و تأیید
آن مرالیان دست برداشتن از مذهب حقه اسلام است
بلکه میتوان گفت ترك تبعیت علما تنها ترك کردن دین
نیست بلکه دیبای خویش را هم واژگون نمودن است
بل حجج اسلامیه همگی آماده حرکت بجانب
ایران هستند گویا وساطتی که خود را در بین اداخته
سامی اند که بدون حرکت آن مولیان امر جاری گردد
لذا باز تجدید مطامع نموده میگویند که وساطت محترم
که اصلاح ذات البین را خواستگارانند باید بدانند که پس
از تکفیر رؤسای مذهب شیعه از محمد علی میرزا را شرعاً
و ضلاً و دیبانه این جوان مصروع از موضوع مصالحت
خارج گردیده است یعنی بعد از آن حرکات کافران و
این حکم روحانین محمد علی میرزا متمکن به نخت ایران
شوندند ، البته حجج الاسلام از مکر و حیله و خدعه
و خلف عهد این جوان بخون واقف و مسبوق اند
کیبک پت الله را حراب کند ، و بر اهراس و افس
مسلمانان اهم از خودی و بیگانه رحم نه باید و ملاحظه
نام و تنگ خویش که شاهنشاه بك مملکت وسیع اسلام
است نه باید و مرتکب حرکات وحشیانه شود حکم
انسانیت و اسلامیت را لگداز سارد و با دعوی مسلمان
قرآنی را که بر پشت آن شرایط صلح را بعد از وقته
میدان نوبخانه نوشته بسوراد اهم بر اینکه پس از حکم
ارن داد او هیچ مسلمانی بسلطنت او بر مسلمانان رضا
نمیدهد دیگر چه اطمینان و راه شرعی میتوان قرارداد
های های اربن زندیق اطمینان نمود اینک که ضعف ار
هر طرف بر او احاطه نموده آنچه ار او خواسته شود
تسلیم خواهد کرد ولی فردا که استیلا یافت و باز همین

ای بزرگان ملت ، اطاعت ظلم تا کی ؟ اطاعت جور
تا چقدر ، اگر هوس است بس است ، تا وقت باقیست
پوش آید ، تا در توبه باز است نادم شوید ، دنیا نیرزد
آنکه دلی را بهم زنند ، فرداست که دوره دنیا طی
شود کاری کنید که در حضر رب العالمین محکوم نگردید ،
و بکفیر اعمال خود گرفتار نشوید ، اینها که کشته میشوند
قوی از شما حلق دارند ، و از بی نوع و برادر دینی و
وطنی شما و مسلمانند کاری کنید که حقوق مسلمانان و مات
شما بدستباری شما ضایع نشود ، و دشمن خدا و رسول
بهددکاری شاقوه نگردد ، خنجر قاتل نشود ، خود را
ملعون خدا و ملعون خلق نکند ، ذلت ابدی را
باهنت قان معاوضه نکند ، غضب خدا و نفرت خلق
را با رضای یک نفر مرتد مبادله ننماید ، و حال آنکه
رضای او را هم ثباتی نیست ، بذات ذوالجلال قسم
(جو می بینم کسی از کوی اودلشاد می آید)

(فری گوئی اول خورده بودم یاد می آید)
ما دام در استغنا و ترك خدمت این مرتد و
مهاجرت بممالک خارجه باز است اعتذار للمجبور
ممنور مسموع نیست والسلام علی من اتبع الهدی
و غشی هواقب الردی

حبل اللین

این تعلیقه ائمه از مرکز مقدس و شخص اقدس
محض انعام حجت رسیده حسب الامر درج نمودیم
و میگویند معاون ظلم نیز در ظالمین محسوب است ،
هر فردی از افراد هر اقدامی که معاون این جوان
مرتد ظالم بشود نامرتکب گردد البته ظالم است و گناه
کار و لایق شایات و تمذیر است و عنقریب که ورق بر
گردد در نزد ملت هم شرمنده و سرافکننده خواهد
بود ، تصور نکنید که این بساط کافران نادبر باز بین
تواند ماند ، تصور مینماید که این حرکات غدارانه ظالمانه
دوام خواهد داشت و یا خواهند توانست امر را مشبه
و خود را بری القمه قرار دهند عبارتی که در خط یکی
از موقین این هفته از محف رسیده این است (آقایان
در شرف حرکت بجانب ایرانند)

ای متدینین ایران آیا میدادید آقایان برای چه
تصد حرکت بجانب ایران دارند ؟ اینها برای جهاد
یا این مرتد فطری عنیم ایرانند نموده ، آنان برای

ترجمه از روزنامه دلی نیوز لندن

پیامات مستر برون

(در حال متواریان ایران)

دیر محترم دلی نیوز - همراهیهای حقانی که جنابعالی نسبت به پارلمان ایران نموده است شکر گذاری زیادی را نسبت خود از جانب حامیان آزادی و دوستاران ایران که به پیروجه رابطه در آن مملکت ندارند، و هم چنین حاصل کرده است. تشکرات صمیمی ایرانیان آزادی خواه وطن دوست را و مبنوام بگویم این عبودیت حق خدای بوده است چه در حرارت انگلیسی هیچ مانند جریده شریفه حصه از واقعات ایران نگرفته و طرفداری حقانی از حریت مشروع ایرانیان نکرده است.

درین چند روز اتصالاً حامیان مشروطیت و آزادی خواهان ایران وطن محبوب خود را ترک کرده در ملک خارجه متواری میشوند چنانچه ازین قافله فلک زده گان درین جا نیز رسیده اند. ولی در پاریس و ران عده آنها زیاد است، بعضی از آن حامیان وطن در حفظ جان خود با حال جانکاهی فرار نموده اند که جز لباسی که در بر داشته دارای هیچ نبوده اند.

حالات وقعه ۲۲ جون را که بچشم دیده برای ما نقل نمودند و از آن واقعات مخوبی ظاهر می شود حریت خواهانیکه در آن وقعه کشته شده اند ابدأ خوف و هراس در دل نداشته اند بلکه همه قسم بشاشت از رویشان بیان نموده و بدون خود با خشکی با منتهای قوت قلب جان در راه حریت ماطنه اند و بعضی در حین سرکاری و قتل خویش سعنائیکه از سایر شهدای حریت در ممالک دیگر کمتر شنیده شده با استقلال تمام زبان جاری ساخته و از سعنائشان مخوبی معلوم است که این مقتولین راه حریت از اقدامات حریت خواهانه خویش که آنها را بقتل گاه کشانید ادا نام و بشبان نبوده حتی در حین قتل از حرکات خویش خوشوقت بودند.

از گرفتاران بنجه عبودیت یکی میرزا سهانگیر خان مدیر صور اسرافیل بود (بعقیده مسلمانان اسرافیل ملکی است که از دمیدن صور او طاقبت تمام اهل ارض خواهند مرد و در حشرانی که عبارت از قیامت

اساط کافرانه را پیش کشید باز ماچار خواهیم بود هفت اقدامی را که امروز نموده ایم و این نکته را هم باید دانست که اگر درین موقع این خدمت من و متن صحیح سلام موقع اجرا بیاید این و مدیک دفعه باید چشم از اجرائیات احکام شریعت بپوشید اینک تمام امر ما تمام ایران در مقابله است اگر این حکم هر وسیله که تصور شود و میسر آید بموقع بحر رسید غلبه ایران بر کفر مسلم است و اگر خدای نخواستہ قلوب توبه از او شد ولو هزار شرط نمایند غلبه کفر بر ایمان مسلم خواهد بود، و دیگر تصور نماند کرد رؤسای روحانی مذهب شیعه دارای نفوذ می شود، از همه بالاتر اینکه این جواب متعبرک با اشارت امانل روس است سایم او دوباره بساطت در حق تسام سلطنت اسلامی ایران بروس است، جمیع حرکت این جوان از ابتدای این وقعه تا امروز همه از روی نقشه بوده است که روسها بر او سایم نموده اند و این جوان متعبرک با اشارات روس است ازین جهت به بز نباید غافل شد که اگر امروز دولت روس جمیع قوای لشکری خود را جمع نماید و بمخواهد از از خاک ایران را قبضه کند و حسب اقتضای سیاست امروزه دول میتواند، چه امروزه ایران بقسمی موسوع، رقابت واقع شده که ممکن است هم مرد تجاوز بدوین باران سیلاب خون در اروپا جاری شود، ولی اگر محمد علی میرزا که تا این درجه دست آموز روس است دوباره به تحت سلطنت ایران جایگزینند، رابع ممکن است که روس را برابر مستولی سازد و حجج اسلامی و سایر ارباب حل و عقد ایران در روسیه سلبی نماند عور و قامل نمایند بلکه اطه بدن و سوسه اشند که امروزه دولت روس مقدر سیدچ گونه مصری، ایران و همراهی بشاه بست، به بواسطه قوی رن بلکه بواسطه مقتضیات پلنیک امروزه دول امروزه دولت برن بخود واگذار شده اند لذا لکن دولت قلب سرعویت مدحوسه سداله که ایران را نان رورسیده نشانده از دلها برون باید نمود و این موقع هم را خدمت دانسته رایگان اردست نداد و ره اگر جدیدی باین سوال نگردد ماچار موضوع یک معاهده بین لدولی واقع شده خانه حیات سیاسی و استقلال ایران خواهد کردید.

باشد همان ملك مجدد صور خواهد دمید) به مناسبت بهوش آوردن ملت این اسم را بروی اخبار خود نهاده بود این اخبار چنان نفعه سوری بگوش ایرانیان دمید که بکدفه آنها را از خواب غفلت بیدار کرد. اگرچه فعلاً تا يك اندازه جلوگیری از آن پیداری نموده اند ولی درین موانع پیداری هیچ گونه استقامتی دیده نمی شود میرزا چهار گبر خان - (جوان ۲۵ ساله) را وقتی که بار دوگاه شاه رسانیدند قزاقان حراحت زیاد بر او وارد آورده بودند. بین راه جنبیکه او را میکشیدند و میزدند و می برهیدند با آواز ماند مردم را مخاطب ساخته میگفت

هو وطنان عزیزم عبرت در حال من نظر کنید من بر ایسے خان دادن در راه حریت ملی و آزادی وطن حاضر می بینید من جوانم و هنوز گلی از بوسان عمر نیچیده و کامی از عشرت سرای دهر ۲۰ رده ام تاره صبر می کرده و طفل صغیر دارم همه میدانید که جان در نزد هر جاندارى عزیز است ولی من موت شرف را بر زندگی بر شرف ترجیح میدهم و هیچ میلی به ارگشت خود و زیست خویش بهبودیت و عار و لگ مذات جانچه در دو ساله پیش داشته ندارم از حال من عبرت گیرید و نگذارید غاسباه حقوق مشروعه شمارا تصرف نمایند

دیگری که ملك الامکلمین (حاجی میرزا نصر الله واعظ اصفهانی) بود وقتی بحضور شاهش رسانیدند که عمارت پارلمان ویران شده بود، شاه (بزبانیکه از خنجر زهر آلود تیزتر بود او را ملامت و شتمت نموده) پرسید که از آنچه الفساط ختم این که میگفتی چه فرض داشتی ملك جواب داد میخواستم تورا میکادوی نای نایم شاه منوراه سرود که آیا با این سخنان حسن و سعادت خود میخواستی مرا میکادو سازی ؟ ملك جواب داد میدانم مرا میکشند مرا هم هیچ باکی از کشته شدن نیست ولی از تو سوال میکنم که تو با این حرکات شنیع میتوانی دیگر اسم میکادوی بروی خود گذاری ؟

طایقت این دو نفر را طار زده اعضایشان را قطعه قطعه و شکمشان را پاره کردند و گوشت و استخوانشان را نزد سگان ادا کردند

ملی این فدائیان طریق حریت در حیات خویش برای ملك و مات و حریت و مساوات حلی خدمت نمودند و اثراتی عظیم گذاردند در بند مردن خود هم از طریق و وضع قتل خویش اثرات بزرگ و خدمات نمایان در حریت وطن خویش سپاده و عبرت آموزانه نام خود را درین عالم ماند آواز رنده جاوید گذاردند (رت ادورد جی راون)

(بیروك كالج كبرج • اگست)

جبل المنین

جناب مستبرون همین قسم که همدرد ترین اروپائیان نسبت با براند محبوب ترین اروپائیان در قلوب ایرانیان نیز میباشند و ما ایرانیان همدردیهای مهربانانه این فاضل مقدم را که در هر موقع و مقام درباره ایران و ایرانیان نموده اند هرگز فراموش نخواهیم کرد همچنین نوع خواهی و همدردی حراند انگلستان خصوصاً روزنامه (دیلی نیوز) لندن را ایرانیان به سر بسایت و قابل قدر مینگرند اگر ملت ایران محال اخبار و حراند ایرانی دانر بود حسیات قدر شناسی خود را بر علمایان طاهر میداشتند اما ایرانیان هر چه حراند نوع خواه انگلیسی و رجال منصف انگلستان را بچشم حمایت نگریسته بیش از مال سازه تأییدات حقانی را خواستکاران ایشان بوده ایم و اگر گاهی هم شکایتی رود من بآب التوقع است

مهاجرین موفق ایرانی آنچه را در ماده حریت و حمارت فدائیان مشروطیت که دل بر حب الوطنی آنهاست بیان می نمایند مورث حرمت عدلا و سیاسیون دنیا میباشد و اتفاق جمیع دایان حراب و حررت و حب وطنی و از خود گدسگی فدائیان مشروطیت ایران را از فدائیان فرانس و انگلستان و امریکا کتر نمیتوان گفت جنب مدبر المالك مدبر روزنامه (عدن) که تازه وارد کلانته شده اند بیانی از ملك الامکلمین که بگوش خود شنیده بودند نموده که واقع عقل را حیران می نماید و بخوبی دلالت میکند که این مرد در راه حریت و آزادی مشروع از همه چیز خود گذشته بود

قبل از وقته ۲۳ جمادی الاولی رحی برد ملك آمده طایقت اعلاق های مہیجانه وی را سخت گفتند ملك الامکلمین در جواب فرمود شان ۲ میدام سخنان

من در راه حریت مشروع ابناء وطن محبوب مراد و جاد
هلاکت خواهد ساخت من خود را بردار و رگهای
گلوی خویش را مطلق می یابم ولی چه توانم کرد
که حب شریعت حق و مساوات مشروعه اسلامیه در
حیات من راسخ گردیده دست قدرت یا طبیعت بی
اختیار مر قتلگاه میکنند شك ندارم قتل من مایه
عبرت مات و سب حیات مایه نوا برادرانم خواهد
گردید

لی این مرد وطن خواه غیور آنچه در طاقت
حده پیش پیش گونی نموده بود نام هوقع اجری آمد
جز دو اسر که قطعه قطعه کردن جسد خود و خوراندن
سگان باشد و الحقی این حرکت وحشیانه فوق تصور
بود و ارتکابش در حق هیچ اولاد انسانی متصور نبود
(این انتقام گر فتادی بروز حشر)

(با این عمل معامله دهر چون شدی)

تکرافات

(۲۳ رجب - ۲۱ اگست)

§ (مستر لوتید جارچ) وارد (بران) شد تا وریر
دختر آلمان ملاقات نموده و خواهش کرد که اسول
وسیمه ایام پیری مروحه آلمان یار اراده شود

§ امپراتور (منول) پادشاه (برنیکس) امروز اولین
مرتبه است بیرون قصر قدم نهاده ، در محاس رسمی - سالا
حنک (دبیر) اطاق مختصری نموده این محاس مشحون
از آگین قشون و خلیلی بر شکوه بود ، بعد از اختتام
عالم خیمه یادگار فتح (ویلنگتن) شالوده يك متاری
ر گذارند در مراسم از آنجا ملاحظه اطراف
کارخانجات شرب سازی را نموده در هر جا میرسید
اهالی بد برای مجبوا می نمودند

(۲۴ رجب - ۲۲ گست)

§ مسران روسی که در اردوی ساحلوی (مقدونیا)
مأمور بوده و این وقت در رخصت اند ایام رخصت
شان را زیاد نموده اند

§ تلگرافی از (بریتوریا) رسیده که (جنرل پونها) در
محاس شورای قوانین ضمن اطاق خود اظهار دانت
که اصول نظام (لارد مانر) برای (ترسوال) بسیار
د بوده و منجمه انتظاماتش یکی تقسیم (۳) میلیون لیرا
صاریق و بقیه است که بدترین اموریست که در تواریخ

(ترسوال) ثبت خواهد گردید

§ (مستر لوتید جارچ) در (بران) بسیاری از امور
ملکی را تحقیق میکند ، خاصه تدارکات راه آهن و
عوارضات ممالکتی را با وزیر داخله گفتگو میکند ، و
با ایشان تناول طعام نمود ، وقایع نگار يك از روزنامجات
چین ملاقات اظهار داشته که مسافرت او در (آلمان)
رسمانه نیست ولی یقین دارد که (مستر اسکویت) و
(سر ادورد گری) بعد از مشوره بر اقدامات وی
امضا خواهند گذارد

§ وقایع نگار (طمس) از (یکن) تلگرافا خبر داده
که دولت چین در اقدامات ترك استعمال تریك برپنجوع
کوتاهی نخواهد کرد

(۲۵ رجب - ۲۳ اگست)

§ مخبر (روتر) از (تاخیر) خبر میدهد که مذبذبه
تلگراف بی سیم مخساره شده که (مولی حفیظ) مقدمه
الحیث سلطان عبدالعزیز را شکست داده ، و مذایرع
موتقه معلوم گردیده که کلیه عساکر سلطان عبدالعزیز
شکست خورده و تمام فرار نموده و سلطان عبدالعزیز
گرفتار شده یا بمصرقات فراسه پناه رده است ، خبر
نازه اینست که سلطان عبدالعزیز با تلفات و نقصانی زیاد
شکست خورده ، یستم اگست بر اردوی وی از طرف
مولی حفیظ شبخون زده اند و اغلب لشکریان او ، بحق
باردوی (مولی حفیظ) و سلطان عبدالعزیز در (ستات)
که در حدود فراسه است فرار کرده و قصد رفتن در
(کاسابانکا) سمیت ۳ نفر از ور راه خود دارد که از
آنجا حرکت سمت (دمشق) باید ، و بعد از حصول
موقع مراجعت کند ، دو کتر انگلیسی و معلم وسیع
سواره در (کاسابانکا) رسیده اند

§ روزنامه (آزرور) می نویسد که دولت آلمان هر
سه در تعمیر جهازت جنگی خود اضافه میکند از این
رو دولت برطسیا را اراده این است که الی سنه
(۱۹۱۱) تدارك در تعمیر جهازت نازه و ترتیب آنها
داده شود ، بعد از آن دیده باید که آلمان چه خواهد
کرد ، خیال انگلیس در این ترتیبات جدیده اینست که
(۳۰) فروند جهاز جنگی نظیر (دریدنات) یا (ادو
مونیل) تعمیر این جهازت (۵۰) میلیون لیرا
صرفشان خواهد شد ، تا کاون وزراء تصفیه محارج
این امر را نه نموده اند

حبل المتین کلکتہ
ہیکل کالج اسٹریٹ نمبر ۴

Hablu Malin Office
4, Medical College St.,
CALCUTTA.

وکلا دمہ دار ابوحیات مشترکین اند
(بدل اہونہ اخبار پیشگی گرفتہ میشود)

قیمت اشتراک
سالانہ - - شش ماہہ
ہند و برہمہ

نامہ مقدسہ

حبل المتین

سنہ ۱۳۱۱

(مراسلات خصوصی بدون امضای معروف)
(ادارہ درج نمیشود)

کلیہ امور ادارہ با
مدیر کل مؤیدالاسلام است
ہر دوشنبہ طبع
و - شنبہ توزیع میشود
یوم دوشنبہ
۱۰ شعبان ۱۳۲۶ ہجری
مصادف با
۷ ستمبر ۱۹۰۸ میلادی

۱۲ روپیہ - - ۷ روپیہ
ایران و افغانستان
۲۵ قران - - ۲۵ قران
عثمانی و مصر
۵ مجیدی - ۳ مجیدی
اروپا و چین
۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک
روس و ترکستان
۱۰ منات - ۶ منات

صرفہ انگلیس و نفع ایران

ارضاع کتون ایران کس مانہا درجہ اہمیت را درطام سیاست نمودہ ، و ہیج مستبعد نیست کہ منجر بیک انقلاب سیاسی عظیم گردد، چنانچہ در شہارہای گذشتہ اشارہ و وضع پیش آمد کار نمودہ ہم، علت العال بن انقلاب ہمانا اختلافیست کہ بین ملت و شخص محمد علی میرزا پیدا شدہ مشکل ایجابست کہ این اختلاف نفسی استوانہ محکم کردہ کہ بان آسانیہا رفع نتواند شد، و تا بن اختلاف باقی اند خوف انقلابات سیاسی نیز دامنگیر خواہد بود، این جا قدری تشریح لازم دارد ایرانیان را مظالم استبداد خصوصاً او بکفرن ہا بن طرف چنان در فشار آورده بود کہ بن اختیار صدا را مشروطیت باند کردہ، از سکنای استبداد بیرون آمدہ (۱) رسیدگان قلعہ بصیرت را پوشیدہ نیست کہ ہیج تاریخ شان نمیدہد اینگونہ اختلافات بین دہایا و حکم دار ہیج وسیلہ مرتفع شدہ باشد، خاصہ در صورتی کہ مناقشات بین بقل نقوس و نہب اموال و توجہیات مذہبی (آہم ہا بن وحشت درین دورہ تمدن بعد از مشروطیت دو سالہ بمات) رسیدہ باشد جبریک از ہمہ پیشتر بر اسباب نفرت و بینونت

اہدی ہا بن حکمدر جوان و ملت گردیدہ ہا تکفیرست کہ رؤسای مذہب روحانی شیعہ از وی نمودہ، ہر کس از کلیات بل جزئیات اسلام خاصہ مذہب نامہ واقف باشد تسلیم خواہد کرد کہ با آف ہا منافرت و این بینونت مذہبی کہ بحکم رؤسای روحانی ہا بن حکمدار و مات واقع شدہ بحال است سلطنت ایران ہا بن جوان مسلم گردد ولو اینکہ نصف نقوس ایرانیہ بر فرض بحال از دم تیغ بگذرند این سکوت و سکون موقتی بہسی بلاد دلیل بر تہیل سلطنت او و اہمیت مطمئنہ مملکت نیست این نکتہ حسی است کہ تا این جوان متصدی امور سلطنتی باشد ہرج و مرج از ایران رط نخواہد بست، و تا وقتی کہ ہرج و مرج ازین مملکت رخت نہ بندد انقلابات سیاسی رفع نخواہد شد، و تا زمانیکہ انقلابات سیاسی مرتفع نگردد خوف خشک عمومی و خونریزی ہا بن دول بر نخواہد خاست، گو این مرتب حسی و قابل انکار باشد و دلیل و برہانہ لازم ندارد درین صورت خوب است سیا سیون دول خاصہ ارماب درایت انگلستان عقول خود را گرد آورده استخفا کہ این ہرج و مرج مملکت بحال کہ مافع و بحال کدہ

(۱) از آغاز وابستگی بین ملت و این حکمراں جوان کہ مخالف با مشروطیت خود را شناسادہ بود یک نفرت طبیعی تولید شد، تاہمینکہ برنخت سلطنت جای نمودہ، آغاز مخالفت گذارد، و کار بجائی کشید کہ مخالفت این جور با مشروطیت عالی گردید و پارہا زد و خورد و انقلاب کشید تا ثابت امر منجر بقتل ہزاران نفوس بیگناہ و

مانقت نتواند گردید و این امر سبب شد که بمفاد (الفریق بقشبت بکل حشبتس) در چنین موقع نازک ایرانها نیز روی خاطر از انگلیسان گردانیده بوسیله عثمانی متوجه بالمان شوند. و موفقی بهتر و بالاتر ازین برای از دیاد نفوذ آلمان در ایران بلکه در تمام آسیا منصور نبود. و از طرق موثقه خبر رسیده که آلمان جدا در تأییدات ملیه ابراف میکوشد. و خویشتن را اولین مؤید مشروطیت ایران جلوه میدهد. تکفیر شاه از چه مرکز صادر شده. و توجه علی ایرانیان بجانب عثمانی از کجا تراوش نموده. مبنی بر نکات سیاسی بسیار باریک است که عنقریب بالاتر از (سراکو) در ایران ظهور و بروز خواهد نمود.

بقای مشروطیت و پیشرفت مکتوبات ملت ایران مانند آفتاب در وسطالسهام نمایان است. خصوصاً در حالتیکه رؤسای روحانی مذهب شیعه شاه را تکفیر کرده و بقای مشروطیت را واجب شمرده اند با این پیش آمد امور ولو صد روس و انگلیس ازین جوان حمایت نمایند سلطنتش بر ایران محال است حتی میتوان گفت سلب استقلال ایران نزدیک تر به تصور است نسبت بر اینکه محمد علی میرزا دوباره بر اریکه جهان بازی ایران مستبدانه تکیه نماید. مسئله تکفیر خیلی اهمیت دارد و منصور نیست که در صورت اقتدار هم قوه جبریه بتوان مردم را زیر بار سلطنت او آورد. و با سلطنت محمد علی میرزا با باند هزار قشون برای همیشه مردم را آرام و محاکت را امن کرد. و بر فرض هم که موقتاً املتی حاصل شود اسباب اطمینان که اس اساس ترویج تجارت و اصلاحات ملکی است میسر نخواهد گردید. بعبارت ساده تر در یا زود قتح ملت درین میدان که عبارت از خلق محمد علی میرزا از سلطنت و بقای مشروطیت ایران نمایان است. چنانچه آثارش عنقریب ظاهر خواهد گردید. و اگر باین وضع ماند دیری نخواهد گذشت که اقتدار دولت يك مرتبه تمام از سوبه آذربایجان سلب. و صراحت تامه بسایر سرحدات ایران هم خواهد نمود. چنانچه تا درجه نموده است.

پس از این مقدمه باز گردیم بمقصد اصلی خوب است ارباب سیاست انگلستان کلاه خویش را قاضی نموده آخرین نتیجه مناقشه امروزه ابراف را سنجیده قح خود را بجویند.

مسلم است اگر ملت و دولت را بحال خود گذاشته یا بگذارند یعنی کشتی دو تفری بود یا بشود نه یکساعت محمد علی میرزا میتوانست در مقابل هیاج ملت مقاومت نمود و نه من بعد خواهد توانست کرد.

مضرات یعنی از منافع و مضار دولت و ملت ایران چشم پوشیده در عالم سیاست نفع و خلوتش را ملاحظه نمایند جای نگار نیست که قبل از مشروطیت ایران منفردا نفوذ سیاست روس در دربار ایران حکمران مطلق بود. چیزی که مانع دولت روس از بعضی اقدامات بودی همانا رعب و خوف از روحانین است که مخالفت ایشان مزید غرقت ملت از وی گردیده اختلاف عظیم پیش و در آن بین دولت انگلیس هم دست در کار آورد. غرقت ملت از روس و جنگ اقصای شرق دست بهم داده ایرانیانرا بکفنه متوجه مانگیسان ساخت. همین قدر که اندک اقبال از انگلیسان دیدند در قلیل زمان توجهات ملی رسوخ و نفوذ انگلیس را تا درجه بر روس جربانید. و هرگاه انگلیسان با روس درباره ایران معاهده میگردید ملت ایران هرگز منحرف زد دولت انگلیس نشده هم ایرانیان کاملاً به مقاصد خود نائل میگردیدند و هم دولت انگلیس نظر بمیلان بجانب اومنافع عمده تجارنی و سیاسی خویشرا از ایران حاصل می نمود. مسلم جمیع سیاسيون است همین که ایران به پای خود می ایستاد بدرجات شقی بهتر ازین معاهده هند را از تعرضات روس ایمن میداشت با این همه نظر بهمرامی که انگلیسان در مشروطیت ایران نمودند. ایرانیان بعد از آن معاهده نیز تا درجه توجه قلیشان بدولت انگلیس بود و حزب قالب و با نفوذ ایران طرفدار منافع تجارنی انگلیسی بودند. و کاشان این بود که ازمهم اگر روز سختی برای ایشان پیش آید دولت نگلیس از روی وجدان انسانی و انصاف حقانی آنها را اعانت خواهد نمود. تا اینکه ملاقات اعلیحضرتین بادشاه انگلستان و امپراطور روس در (ریوال) پیش آمده فوراً يك قوه غیر متصوره از روسیان به شاه رسیده. و قوه بست و سوم جهادی الاولی پیش آمد که بب برهم خوردن مشروطیت و عدم اساس مدنیت ایران گردید. چون روسها عانی حمایت از شاه نمودند و فوراً انگلیسها هم با آواز بلند بطرفی خویش را که درین حین منتها درجه مضرت را برای ملت داشت اظهار داشتند ازین رویك شبه قوی در ایرانیان پیدا شد که برهم زدن اساس مشروطیت ایران بمشوره اعلیحضرتین بوده است خصوصاً وقتی که دیدند سرادوردگری. وزیر خارجه انگلستان در پارلمان انگلیس تنلای می نماید که درات روس را از الزام تصرفات غیر مشروع بری نماید. اگر چه میتوان تصور نمود که مدفعات سر ادورد گری در پارلمان از روس پلایکی بوده که از روی معاهده او را نیز مانند خویش مجبور به بیطرفی سازد. ولی این نکته را طایفه افراد يك ملت

استقامت موافق او در سایه حجاب عاقی روس و سکوت شفاهی انگلیس میباشد که نایکدرجه این را هم حجاب از شاه تصور کرده اند و این دو نکته سبب گردیده که پیش از پیش اهلی ابراهیم مرت قلابی از دولتمند حاصل نموده متوجه به عثمانی و آلمان شود، و همین سبب قوت مغربی رقابت آلمان و عثمانی با انگلیس و روس شده، قوت و نفوذ آلمان از این راه در ایران بل در تمام آسیا طبعاً زیاد خواهد گردید، و بالمآل خساره اش بروس و انگلیس فوق التصور و تشریح آن خارج ازین موضوع است

بفیده مافاده انگلیس و روس امروزه این است
 که میدان رقابت را برای حولان کبیت سیاست آلمان تنگ نمایند، یعنی موضوع رقابت که مخالفت بین ملت و حکمدار حایله ایران است از میان بردارند، و پیش ازین موقع پیشرفت مقاصد سیاسی آلمان ندهند، چه هر قدر این مناقشه بطول انجامد، و این رقابت قوت گیرد فتح آلمان و ضرر انگلیس است یعنی همه روزه از رسوخ انگلیسان در ایران کاسته و بر نفوذ آلمان خواهد افزود تنگ نمودن این میدان رقابت بر آلمان منحصر بر این است که انگلیس و روس حداً بر دفع محمد علی میرزا متفق شده ملت را مشغول به اصلاحات ملکی خود ساخته از توجه به آلمان و عثمانی منصرف دارند، تا طبعاً خودشان مضار نفوذ و رسوخ آلمان بی برده رو گردان شوند، چه ابرایان اگر مرور توجه به عثمانی و آلمان نموده اند ار راه علاج افند فاسد، است و ربه همه میدانند که هر قدر نفوذ و رسوخ تجارتی و سیاسی جنس اروپایی در ایران کم باشد مجال آنها نامعتر خواهد بود و یقین داشته اند که تأییدات اجاب بالا صلاحه مجال آنها مافع میباشد، ایران را ابرایان باید مالک باشند و این خاک باید بدست اولاد آن تسمیر نمود این توجهی که امروزه به عثمانی و آلمان دارند ار راه ناجاری و لاعلاجی است، اگر روس تا این درجه از محمد علی میرزا حمایت نمی نمود و انگلیس تا این حد بی طرفی اختیار نمی کرد و حجاب مغربی محرکات روس می نمود هرگز ابرایان متوجه به عثمانی و آلمان نمی شدند، و رسوخ دولتمند ما این پایه در ایران ترقی می نمود، گویا ارباب سیاست انگلیس ازین نکته قافل اند که توجه رؤسای روحانی مذهب شیعه به عثمانی مآلاً توجه جمیع ملت ایران است توجه ملت ایران به عثمانی و رسوخ و نفوذ آلمان در ایران توام میباشد از دیداد رسوخ آلمان در ایران سلب نفوذ انگلیس از ابرار است و پس از تکمیل راه آهن بغداد چه اثرات و خطبه برای انگلیس بر هندوستان دارد البته

این نکات را خودشان بهتر میدانند
 ازین بیانات ا درجه استبدط توار نمود که اشکاش حایله ایران که بواسطه مناشه بین ملت و محمد علی میرزا می باشد تا چه اندازه مجال انگلیسار مصر است، و هر قدر محمد علی میرزا زود تر از ناچ و نحت ابراز دور شود صرفه دولت انگلیس واقع ابرار است اینجا مشتبّه اشود، فرض ما ازین مقال آنست
 هست که انگلیسان در برداشتن محمد علی میرزا به ملت ایران تأیید نمایند، ما میگویم انگلیسان بمسلك خود که بی طرفی است در دخالت بامور داخله ایران حداً مستقیم باشند، ولی روسها را هم که متعاهد آنهاست سرا و عتاً از حجاب شاه مار دارند، و این کشتی را دو غری بین ابرایان نگذارند که ملت به کمال سهولت پیشرفت مقاصد خویش را مقتدر است، فتح ما و صرفه انگلیس درین است، و ربه بر صورت باشد ملت بر بر مقصود خواهد رسید، بعد از آنکه برای دولت انگلیس مضاری بسیار عظیم تولید شده باشد

تلاکرافات روتر راجع با ایران

۳۱ آگست ۳ شعبان

تلاکرافی از تبریز برور نامه طمس لندن رسیده که کبیر عثمانی بدین هیچگونه تصفیه مناقشه مرحدی ر ارومیه حرکت کرد، و حیرا دو مسلم را در راه دریایچه ارومیه منصرف گردید

عوجب تلاکرافتکه از تبریز رسیده دولت عالی دعوی ملکیت صوحنجات ماکو و - و حبلایغ را از می نماید کبیر نازده ز حجاب عثمانی مآور ارومیه گردیده است (۴ شعبان - ۵ ستمبر)

عوجب تلاکرافتکه از طهران به و ان رسیده من حجه شرایطی که مشروطین نکمیسیون صاحب که از خرف رسیده آمده پیش نموده اند آن است که وررا را از مشروطین انتخاب نموده مستبدین را ماحلاً از طهران بروراند، (۵ شعبان - ۴ ستمبر)

عوجب تلاکرافتکه از طهران به و ان رسیده د جنیکه اردوی شاهی در خارج تبریز مشغول مشق بود که قشون ملی مشروطین بر آنها شایک و هشتمه در شان را نقل رساییده و جنگ جاری است (۶ شعبان - ۳ ستمبر)

عوجب تلاکرافتکه از اسلامبول رسیده فرمان سلطانی صادر و کابینه وزرا هم متفقاً بر او امده داشته که قشون را از مرحدانیکه مسلحه ابرار است طلب نموده تصفیه حدود را هم شروع نمایند

(مستر بارکلی) سفير انگلستان در دربار ايران
 از طرف دولت متبوعه خود به نشان (سنت ميکل و
 سنت جارج) مفتخر آمد
 (۷ شعبان - ۴ ستمبر)

تلگرافي از تبريز پرونامه طمس لندن رسیده
 که انتظامات شهر همه روزه مشغولتر می شود قفقازهای
 اجیر مسلح که در تبريز آمده تهدید حمله بر یکی از
 قوساخاه های خارج را می نمایند . بدین غرض
 که اجاب باین وسیله در امور داخله تصرف نمایند ،
 اهلی تبريز در دولت انگلیس خیلی خشنک اند که بنا بر
 مساعدت با روس شمالی ايران را در فوذ خاصه روس
 تسلیم نموده است . ازین رو قوساخاه انگلیس خیلی
 در معرض خطر واقع شده است

(۹ شعبان - ۶ ستمبر)

وقایع نگار طمس از تبريز تلگرافاً خبر میدهد
 باجودیکه عین الدوله مشروطین تبريز اطمینان داده بود
 تا وقتیکه گفتگوی مصالحت دو بین است خصومت و
 عداوت نخواهد ورزید مع ذلک همراهان او بر یکی از
 کاروانسراهای شهری پش آورده قارت کردند این
 حرکت مشروطین را بغضب آورده سخت بر عمارت
 شاهی و طرفدان شاه آغاز پشایک توب نهاد

حبل المتین

پلتیک رنگین تر از این است که ما بتوانیم تشریح
 انجام ، در قریب سه سال اغتشاشات ایران با آن همه
 انقلاب و خونریزیهای داخله احدی نتوانست لزومی
 ایرانیان در حفظ حقوق خارجه دهد ، ناچار ارباب
 سیاست چنین سلاح دیده اند که باسم قمنازیان دلیرجسور
 الزام بر همه ایرانیان وارد آرند ، از کجا این سخن
 مقرون بصواب باشد ؟ از کجا دولت روس اراده
 پلتیک این افراه را نینداخته ، و یا اسباب این گونه
 اغتشاشات را خود فراهم یا آورده باشد ؟ آیا ممکن نیست
 که درصیبت قمنازیان غیور که از حزب اسلامی به تأیید
 فلک زدگان تبریز آمده چند نفر بطریق خفیه دولت روس
 یا شاه دوستان فرستاده باشند که مایه بدامی ملت شده
 اسباب اغتشاش را فراهم آورند ، بلی اینها پلتیکی است
 که پلتیک دامان انگلیس بخوبی میدانند و جلوگیری
 دشوار نیست

ما ملت انگلیسه را نظر بساقه معرفتی که درحق
 ملت خود داریم اطمینان میدهیم که از طرف ایرانیان
 مطمئن باشند که هرگز سوه قصدی درحق خارجه خاصه
 انگلیسان نداشته و نخواهند داشت ، و نسبت بمجمیع
 ملل و دول اروپا ملت و دولت انگلیس را ابرویان
 محبوب تر دارند ، البته لازم است که از کید پلتیک

اجاب که موقع بدستشان آمده خود را محفوظ نمایند .
 و هیچ مشکل نیست شاه مخلوع که فعلاً ابواب چاره را
 بر خود از هر طرف مسدود دیده با اشارات روس مرتکب
 امری شود که راه بهاء بدست اجاب دهد و بخیرال
 خود خویشتن را از چنگ آذربایجان نجات بخشد
 چنانچه در تلیک بر ناینده مالبه روس در طهران
 نمودند مقصود این است که تا کنون مشروطه خواهان
 ایران نظر بسیاست ودانسی که دارد مرتکب هیچ
 خلاف قانون نشده و مسأله من بعد هم خواهند شد

- ترجمه از طمس بمبئی -

۲۹ آگست

وقایع نگار اخبار مذکور از لندن خبر میدهد که
 اخبارات مهمه تلگرافی از طهران رسیده من جمله این
 است که رؤسای مذهب شیعه در نجف و کربلا رسماً شاه
 را تکفیر نموده و آن تکفیر نامه را در اصفهان و شیراز
 و سایر بلدان بر در و دیوارهای شهر چسبایده اند
 طهران چون هنوز کنترل لیاکوف استیلای نامه دارد
 و شهر تحت حکم اوست نگذارده اند تکفیر نامه را
 بر در و دیوار چسبایند مقام علمای کربلا و نجف همان
 مقام شیخ لاسلام در محاکم عثمانی است ، و اثرات بسیار
 عظیم از تکفیر شاه در تمام ایران ظاهر خواهد شد
 تلگرافیکه تازه از طهران بلندن رسیده که مجلس
 بسیار مهیجانه خصوصی که شخصاً شاه هم حضور
 داشت منعقد شده در برقراری پارلمان آراء مختلف
 گردید ، ولی امید است حزبی که انعقاد پارلمان را
 فوراً رأی داده اند غالب آید ، چه سیر روس هم
 همین رأی را بشاه داده است

تلگراف دیگر که آن نیز خالی از اهمیت نیست
 رسیده که هم شاه شاهزاده ظل السلطان (چون در
 حفظ مال و جان خویش از حسابه روس و انگلیس
 مأیوس شد حمایه دوا عثمانی را خواستگار کرده است
 از تلگرافیکه به پترسبرگ رسیده ظاهر میگردد
 مشروطیت عثمانی اثرات عظیمه بر ایران بخشیده ، همه
 روزه باقسام مختلفه قلوب ایرانیان بجانب عثمانی توجه
 میگردد ، حال سلطنت تارک و مقام شاه باریک اگر
 مخالفت با مشروطیت نماید ، و یا نتواند خود را محبوب
 القلوب نزد مشروطین سازد وضدیت و مخالفت با این
 جهت کند عاقبت امید شاه بیاس و قوای وی بضمف
 تبدیل خواهد شد آنچه ظاهر می شود کوشش و فشار
 انگلیس و روس بر شاه مذکور اینکه فوری مجلس شود
 را که اشد ضرورت دیدند منعقد دارد بی نتیجه
 قائم ماند

مکتوبیست که هیئت ملیه

ایرانیان بسپهسالار ملی ایران ستار خان

(نوشته اند)

جناب اجل ستار خان و اصحاب کرام ایشان که حامیان حریت و فازیان اسلامند بدانند که در هر کار و ملک شرط بزرگ ثبات و استقامت است. چون وقت شما طویل گرانها است منصور خود طورا فشار میدهم و راه اختصار میدویم. حرکات شما تا امروز در تمام محافل رسمی و غیر رسمی دول و ملک معظم فرنگ در نظر تمام اقوام آزادی دوست روسیه زمین در پیشگاه عقل و وجدان هر وطن دوست با غیرت مدوح و محل اعتنا بود. حسهای رفیق با همه دوریه مکان و نیل جنس و مذهب رفیق راه شما بوده مظفریت نان را بزبانهایی مختلف از خدا مسئلت میکردند. امروز با کمال اسف محجوب و منفل شدند. چرا؟ برای آنکه در همه روزنامههای فرنگ دیدند نوشته شده (در تبریز تا امروز بیاننامههای مشروطه خواهان زبان ملی فارسی بود و حالا که حکومت عثمانی هم مشروطه شد بترکی نوشته و اظهار کرده اند که بجای محمد علی شاه هرگاه سلطان عبدالحمید حکمران ایران باشد چه ضرر دارد)

مضمون این بیان نامه آتقدر مجروح و غلط است که حساب ندارد. انکار ملیت نمودن یعنی چه؟ به همسایه مانعی شدن چه معنی دارد؟ شما که در داخله نشسته اید خبر از وضع خارجه ندارید که همسایگان هزار مرتبه بدتر از ابران بازیجه دول فرنگ و در علم سیاسی گرفتار چه طوفان های بلا میباشد. دیسه های رجال همسایه را مسبق نیستید. حیثیات قوت آمیز آنان را نسبت با ایرانیان بمیدانید. بدخواهی و بد بینی حضرات را پس از این مدت مدید همجواری ملتفت نشده اید. قتل و قارت شورش و حسادتیکه درین اواخر در حدود وطن شما ظالمانه اجرا کرده و میکنند بچشم عبرت نمی نگرید

از آغاز اعلان مشروطیت که بخود مشغول و وقت هیچگونه مدافعه خارجی را نداشتید سایر همسایگان مقتدر اگر قویت و با کارشکنی کردند پوشیده و پنهان بود.

هیچیک بحسب ظاهر تجاوز عسکری نکرد. بچه های مسلمان را نکشت. زندهای مسلمه را پس از تعرض وحشیانه اتلاف نکرد. خانه ها را خراب و اموال رطایا را بجا نمود. شست کبلو از خاک وطن شما را به سم اسب نکوفت. ولی این همسایه کاری کرد و آتشی افروخت که ظلم اسلامیت و حسن بشریت تا روز رستخیز دم تقبیح نخواهد بست

عجب تر آنکه در روزنامه (اقدام) در بحث از پوتلیک دول فرنگ مینویسد (مناسبات ما با اطارت بلغار دوستانه و محکم است و لازمه دوستی آنکه درین بهران داخله ما اطارت مذکور نظر بمحقوق همجواری حرکتی که موجب اخلال اذهان و پریشانی خاطر ما باشد پیش نگیرد. و ما را بحال خود وا گذارد) ما از شما می پرسیم همسایه که با اطارت مجزای خود تا باین حدس و مذهب عاجزانه این شما را میکنند چرا با همسایه دیگر خود بخلاف مأمول رفتار مینماید؟ آسائیکه در پیودن راه مشروطیت میخواهند در چار طامع و اتسکال خارجی شوند. بچوپز کدام قانون برعایت کدام آیت بشوای کدام روایت قسمی از خاک وطن ما را مقتل ییکنامهان کرد. و حالا که بمناسبت حصول قانون اساسی و شمول مساوات پیود و آرامنه را برادر میخوانند. برادران ایرانی خود خاصه تبریزبان عدالت طلب را چرا پریشان هواس میخواهند؟ چرا ما مورین خود را ازین حرکت ملامت نمیکند؟

(باز برگردیم بمقصود خود)

جناب ستار خان و دیگر برادران - باید احوال گذشته گان را نیز متذکر شوند. و سرمشق احوال خود قرار دهند. از نکات بسیار مهم تاریخ است که هنگام تعرض و هجوم عثمانی ها به تبریز سکنه آنخ پس از مدافعه غیورانه همینکه مجبور بخایه شهر شدند دست عبال خود را گرفته با دست دیگر حنکیدند و گردن باسارت و تن به تبعیت اختیار ندادند.

مگر شما از نژاد آن بزرگوارانید؟ مگر نه شما بران آن پدران غیورید؟ نماییه بملکی اختیار را چگونه حسن آزاد و عقل مستقل قبول میکنند؟ ایران ملک ابرانیست. ایرانی مالک ابرانست. ایرانی باید بقوه ملیه خانه خود را حفظ کند. و به نیروی

دیگران ، سعادت و سیادت ما ناوقتی است که خاتم خدا ز خودمان باشد ، شرف ملی و تأثیر ملت حاکی از روزی است که بفرز سرما رجم شیروخورشید سایه اندازد ، این است آن مهی که در راه قای آن هر فرد برای از زن و مرد باید از مال و جان بگذرد ، و نابیلان آخرین قطره خون خود ایستادگی نماید ، میرانی که از عصر کیومرث دست آورده ما کمال شرف بنسرف و اسلاف سپارد ، بی آن ناخلفی که این ودیعه کبریائی ، بی وظیفه بشری را رعایت نمیکند ، عصمت مادر وطن خود را دست احباب میدهد ، مسلمات را بدهان توب حوالت میکند ، مردود خدا و منفور کل دنیا است ، البته تسبیح و نیز مانند تسبیح بیگانگان مشکل و محال است ، و باید قبول نکرد ، و استقامت بخرج داد ، حاصل عمر اسان ، نتیجه مساعی بشر ، قای نام نیک است و بس ، آهم میسر نشود مگر بدستگیری انبای جلس

امروز هیچ ملتی بمظلومی ابرائی بست ، دیده این کینه دیر هیچ گروهی را بمضوری ابرائی می بیند ، گر رضای خدا و رضایت خالق را طالبید درخصوص عجات همشهریان ، و سر بلندی ابرائیان ثبات قدم ورزید ، بقوای ملیه خود تکیه کنید ، از اطاعت و حمایت دیگران صرف نظر فرمایید ،

گذشته از آنکه اظهار چنین مطلب عیب بزرگ و عار عظیم است ، بقدر خردلی هم قایده ندارد ، اثنلاف اطمینان دولتم روس و انگلیس و حقوق مرعبه بین الدول نام این درها را بسته ، و بچشم هم می بینید که درین دو سال و نیم با آن بهانه های بزرگ هیچیک نخطی کردند یعنی نتوانستند ، حرکات متجاوزانه یک مسابه هم در عالم سیاست ابدأ قابل اعتنا نیست ، از همان سرکه آمده باز با مشق اقتضاح بر میگردد

درین اواخر بویژه از آغاز مشروطیت ابرائیس و هم دولت انگلیس از روس بود که مبادا در حال احتلال پای از گایم خود بیرون نهد ، فوراً با عقد تفاه دست های او را بست

و درین مدت بطور رسمی اعلان کرد که با مور - مداخله نخواهد مسکرد ، متعاهد خود دولت روس را هم باظهار این معنی سخت وا داشته ، و میدارد ، هزار افسوس که علما و وکلای ما هیچ ملتفت

این حقیقت شدند

و در جواب شدت ملت مداخله اجلی را ورد زبان ساختند ، چه کنند معذورند ، به معذورند ، چه عذری بالاتر از بجزئی ، اطلاعات و کلا منحصر بود بمعاملات بیله وری ، و درجه معلومات علما فقط در مسائل فقهیه ، فلك بادهان بین خود ، اسرافیل با صور جانی خویش داد زد فریاد کرد که احدی بدون خاک شما یا نخواهد گذاشت ، کسی میان کارتان انگشت نخواهد رساند ، دولت مشروطه دوست انگلیس در بموقع (ضبط کرده یا نکرده کار نداریم ، ولی) رنگها ریخته تا از قصه روس و غصه عند آسوده باشد ، باز بگوش علما و طرح رؤسای ما میبرود ، پس از مباحثی مصارف مخبرات تلگرافی چاره درد ما را حواله بکسی میکنند که هزار درجه ناخوش تر از ماست ، آقدر از کار دور و برتند که ملتفت نیستند ، هرگاه در چنین حرصکت طفلانه بوی امید و روی قایده شلیده و دیده میشد ما چون نزدیک نرم از همه سبقت میکردیم

باری معاونت ایشان که رؤسای دیند هنوز از دائرة قول یا بیدان فعل نگذاشته ، شا لا اقل حسته نشوید ، بزرگان گفته اند ، بصبر و متانت میتوان بکردن آرزو سوار شد

اگر داستان کاوه آهنگر بسهد ما دور است قضیه نادر شاه جللی نزدیک است ، چون شا طرفدار حقیق حق هم جاب شما را رعایت خواهد کرد

حاجی میرزا حسن و اشباه او اگر چه بلباس اهل علم هستند ولی جنود ابلیس گمراهند ، اسم ایشان با بزند و دیگر مستبدین بیکجا ثبت است ، اما اسماء عظام شا مرقه احرار که در راه حق و حقیقت میروید و پیروی ائمه هدی را میکنید ، در ساقه عرض خدا با لخط بر حسته جللی محکوک و منقوش است ، فرمان شهادت ملت ایران را همت شا موشع کرد ، دیباچه شرف ابرائیان را حیت شا طراز بخشید ، اگر بخالی کردن چند توب همه آبها از آسیا افتاده بود کل دنیا بزرگی ادعا و کوچکی شجاعت ما زهر خند میزند ، ولی حالا همه روزه از پامردی و دوام ابرائیس بحث میکنند ، جرابد تمام عالم - پسالار مشروطه خواهان جناب ستار خان و سایر مجاهدین غیور را ثنا و

توصیف مینماید .

اسوسی که در ولایات ارابتدای کار اهالی آذربایجان را پیروی میکردند . و بمناسبت قطع مخازن از حال یکدیگر مطلع نمیدادند . اکنون تازه از خواب بیدار شده فهمیده اند که بکناره این سستی و تنبلی باید سر داده بگوشند . و مجاهدین آذربایجان را یآوری کنند . ما همشهریان ضریب هم که از آن میدان فداکاری و همت جان بازی دوریم شب و روز فکر و ذکر مان دعا و مناجات مان غلبه و مظفریت شاست . و با تلگرافات بشمار محرك حجج اسلام شده تا بهینت اجتماع از عنایت هازم ایران شوند . مسلمانان هند و مصر و قفقاز هم درین قصد و نیت متفق و شریکند . و آخرالحوار در حرکت و تحریک عصای ایشان و ثبات شا میمانند . انشاء الله بزودی آوازه مسیبت مشروطه خواهان در تحت لوای علمای عنایت ماند و بسپهسالاری سارخان شیر دل اردوی استبداد و جنود شیطان مهزوم و پریشان خواهد شد

جبل للتین

شرحی که از اخلاق همسایه در فوق ایراد شده راجع به اداره قدیم و طرفداران استبداد میباشد که بحسب کهنه برسی موجب منافرت بین دومات را فراهم می آوردند . و گره دامن تازه حوائل این ملت که در هفت و استقامت پرشتگان علم بالا هم برتری دارند ازین گونه کثافات پاک و منزه اند . خدمات ایشان برای توحید افکار و اتحاد متین شایان ذکر و قابل هرگونه تمجید است . ایرانیان حریت خواه توفیقات ایشان و مزید سعادت و شرف عموم برادران همنان خود را از حصرت یزدان خواستارند . امیدواریم حرکات جدیدة قشون سرحدیه هم فزون بصواب نباشد ورنه باز منافرات ملی در میان آمده هیچ بعید نیست هر دو از کار باز مانیم . ما مقتضیات سیاست امروزه را در دو شماره قبل نوشتیم که خیال قبضه ایران را باید از سر بر کرد که امریست مشکل بل محال . همین قدر میگویم منافعی که در اتحاد این دو دولت بزرگ اسلام مترتب است در مخالفتشان برای هیچ یک نیست

تلگراف ایرانیان اسلامبول

بطلاب علوم دینیة نجف اشرف

(۲۸ ج ۲ - ۱۳۲۶)

بتوسط حاجی ملا احمد کوره کنانی و آقا سیدعلی و عموم طلاب علوم دینیة

مگر در میان سی هزار طلاب هفتاد و دو نفر پیدا شد که در رکاب یکی از حضرات مایب امامان حاضر شده و بگویند بسم الله وقت تأسی کردن بحضرت حسن علیه السلام است . حقیقت بیابت را نشان بدهید . اگر شما همت فرموده اید وای بر ما که بعد از ده سال شما مقتدای ما خواهید شد . و اگر طانع خارجی دارید رفع نموده در آخر نفس به داد اسلام و فریاد مادر وطن برسید . و الا علی الاسلام سلام (عموم ایرانیان)

مخبرات تلگرافی ایرانیان اسلامبول

بحجج اسلامیة نجف اشرف

(۲۹ ج ۲ - ۱۳۲۶)

بتوسط حجة لاسلام آقای طراسانی - علمای اعلام البته از وقایع حائکدار طهران . و حرکات و حشیانة درباریان . و هتک حرمت قرآن . و توب بستن به مجالس شوری و - احد مسلمانان . و قتل نفوس . و سفک دماء و احرای روح شکنجه و آزر . و سایر تماوتهای موعه در حق مردمان عاجز بیگناه . و مسمومین بی داد خواه . و ممانله جهل روده تبریز که دروایم را از خون بیگانه آن لبریز کرده . جانها تلف . مالها هلاک . عله ها مانتوب خراب . عرض ها پایال گشته . اطلاع دادید که تماماً امر شاه و پهمدقو مأمورین روس شده و میشود

ما مردم ایران مطابق اصول قرآن و شهادت افعال گذشتگان . پیشوایان مسلمانان را منصور حمایت ایشان دانسته . مشکل گشائی خاک قدم و قدرت مانن نونک فلم آنها را خوب می شناسیم . ساء علیه در این موقع محبة دفع شاطرات محوقة ایران و حفظ حمایت اسلام و اسلامیان بنا بر مرجعیت و مقتدائی بکدام اقدام جدی و مظاهرات فعلی مثبت و نا حال در لدام حام حرکت و سیر فرموده اند . مشروحاً تلگراف فرمایند که مطابق به عرض جواب شود . حمد خدا را